

غرب و منازعه دریایی در خلیج فارس؛ ۱۹۸۷^(۱)

آنتونی کردزمن
پریسا کریمی نیا^(۲)

اشاره در دو شماره پیشین فصلنامه، قسمت اول و دوم فصل یازدهم کتاب غرب و خلیج فارس: روابط استراتژیک و منازعات نظامی نوشته آنتونی کردزمن با نام غرب و منازعه دریایی در خلیج فارس: ۱۹۸۷ چاپ شد. در این شماره، سومین و آخرین قسمت از این نوشته که به تحولات یک سال پایانی جنگ در حوزه خلیج فارس می‌پردازد، ارائه می‌شود. البته، مجدداً باید یاد آور شد که ترجمه و چاپ این مجموعه دلیلی بر درستی تمامی مطالب و موافقت با دیدگاه‌های نویسنده نیست. هدف از این کار آشنایی خوانندگان فصلنامه با دیدگاه‌های کارشناسان خارجی و بهره‌برداری از اطلاعات آنان است. هر چند در برگردان فارسی و ویرایش متن کوشش شده است اصل امانت در ترجمه رعایت شود، اما در مواردی که مطالب بسیار مغرضانه بوده‌اند، جملاتی حذف و با علامت [...] مشخص شده‌اند.

نشست اتحادیه عرب در امان

دور دیگری از کشمکش‌های سیاسی در ۸ ماه نوامبر در نشست اعراب پدید آمد. این نشست که در امان برگزار شد و سران تمامی کشورهای عرب به جز قذافی و فهد در آن حضور داشتند، تقریباً، از همان آغاز، شکست خورده بود. یکی از پیامدهای این نشست را می‌توان اعمال فشار سعودیها بر سوریه برای موافقت با سه موضوع تحریم علیه ایران، بازگشت مصر به جامعه عرب و احیای مجدد روابط دیپلماتیک با آن دانست. در واقع، آنها نسبت به تأمین این هدف امیدوار بودند؛ زیرا، وضعیت اقتصادی سوریه رفته رفته، وخیم تر می‌شد و اسد به کمک اقتصادی کویت و عربستان نیاز مبرمی داشت. از سوی دیگر، کمک عربستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود؛ زیرا، کویت کمکهای خود را به شدت کاهش داده بود؛ بنابراین، مبلغ ۵۴۰ میلیون دلار کمک سالانه عربستان به سوریه جنبه حیاتی پیدا کرده بود. همچنین، عربستان سعودی برای سوریه گندم ارزان قیمت

تهیه می‌کرد؛ چرا که این کشور امکان برداشت گندم و جبران یک میلیون تن کسری مصرف داخلی را نداشت، با این همه در عمل، سعودیها تنها می‌توانستند پیش از نشست، توافق سوریه را در مورد خروج امریکا از خلیج فارس، دیدار با صدام حسین، محکوم کردن ایران به دلیل عدم پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ سازمان ملل و حمله به کویت و همچنین، آشوب مکه، جلب کنند. هر چند این توافقات از نظر سیاسی بسیار مهم بودند، اما به پایان جنگ کمک مؤثری نمی‌کردند؛ بنابراین، شاه فهد در نشست امان حاضر نشد و امیرعبدالله را که از خاندان سلطنتی بود و با اسد روابط خوبی داشت، به نیابت از خود به امان فرستاد. بدین ترتیب، وی دیگر به پذیرش تعهد پرداخت کمکهای بیشتر به سوریه مجبور نبود و در عین حال، امیرعبدالله می‌توانست اسد را نسبت به مصالحه متقاعد کند. به نظر می‌رسد امیرعبدالله تا حدی در این کار خود موفق بود. البته، نباید مانورهای شاه حسین را در این

موفقیت نادیده گرفت. این نشست سه روزه سران عرب موضع اسد در مورد جنگ ایران و عراق را چندان تغییر نداد، اما به دیدار وی با صدام حسین منجر شد که از صرف تشریفات فراتر رفت. نتیجه این ملاقات که پنج ساعت به طول انجامید، توافق در چند مورد و کاهش خصومت دیرینه دو کشور بود. هر چند آنها نپذیرفتند که بعد از دیدار در جلو دوربینها ظاهر شوند و با یکدیگر دست بدهند، اما موافقت کردند که وزیران امور خارجه دو کشور در اردن با همدیگر ملاقات و درباره ترتیبات لازم برای بهبود و گسترش روابطشان با هم مذاکره کنند. بدین ترتیب، سوریه با عراق به توافق رسید و نه تنها آن را ادامه داد، بلکه هم صدا با دیگر دولتها خشم خود را نسبت به ناسازگاریها، تحریکها و تهدیدهای رژیم ایران در منطقه خلیج فارس اعلام کرد، ضمن آنکه در ماه جولای درگیری خونین مکه را محکوم نمود. سوریه همانند الجزایر و جمهوری دموکراتیک خلق یمن با اتحادیه عرب همسو شد. در این میان، لیبی تنها

خلیج فارس نیز حمایت می‌کرد؛ موضوعی که در زمان ارائه آخرین یادداشت رسمی دولت ریگان در ۲۲ ماه نوامبر سال ۱۹۸۷ به کنگره بسیار راه گشا و مؤثر بود. با همه اینها، نشست اتحادیه عرب بر عملکرد ایران تأثیر چندانی نداشت؛ چرا که در نخستین روز نشست، ایران یک فروند موشک اسکاد را به سوی بغداد شلیک کرد. [امام] خمینی [ره] که به ندرت در محافل عمومی حاضر می‌شد، در ۱۰ ماه نوامبر، در روز میلاد [حضرت] محمد(ص)، در دیداری عمومی اظهار کرد: «پیامبر نیز همواره در جنگ بود؛ بنابراین، ما نیز باید بجنگیم». میرحسین موسوی، نخست‌وزیر، در ۱۲ ماه نوامبر، به صورت رسمی تر درخواست آتش‌بس اتحادیه عرب را رد کرد و این اتحادیه را به دلیل تسلط امریکا بر آن تقبیح و هر نوع بازگشت مجدد مصر به آن را محکوم کرد. در همان روز، وزارت امور خارجه ایران اعلام نمود: «رهبران عرب با سیاست تجاوزگرانه امریکا همسو هستند».^{۹۸}

موقعیت غرب در خلیج فارس در اواخر سال ۱۹۸۷، به دلیل توافق صورت گرفته بین ایران و فرانسه متزلزل شد؛ در این توافق، فرانسه پذیرفت که به محاصره سفارت ایران در پاریس پایان دهد و وام در خور توجهی را به ایران واگذار کند

مشکلات عربستان با پاکستان

به رسمیت شناختن عضویت مجدد مصر در اتحادیه عرب به دلایل متعددی بسیار مهم بود؛ چرا که این کشور همچنان، قوی‌ترین نیروی نظامی جهان عرب محسوب می‌شد و تنها دولت عرب بود که می‌توانست برای عراق و کویت حمایت نظامی و سرباز فراهم کند و در حل مشکلات میان عربستان و پاکستان که قسمت عمده‌ای از نیروهای مستقر در شرق عربستان را تأمین می‌کرد، مؤثر عمل کند.

پاکستان از آغاز جنگ ایران و عراق موضع بی‌طرفانه‌ای را اتخاذ کرده بود، هر چند به دلایلی نسبتاً به طرف ایران تمایل داشت، دلایلی که عبارت بودند از: تجارت با ایران، مرز مشترک، سیاست مشترک در قبال حمله شوروی به افغانستان و ترس از دامن زدن به تنش میان شیعیان و سنیان پاکستان از سوی ایران که ۱۰ تا ۱۵ درصد از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دادند و بیشتر آنها در مناطق مرزی ساکن بودند و شدیداً تحت تأثیر

کشوری بود که از برقراری صلح در جنگ ایران و عراق بر پایه قطع نامه صلح سازمان ملل حمایت نکرد و تمایل اندکی برای به رسمیت شناختن مصر از خود نشان داد. در واقع، سوریه از بازگشت مصر حمایت نمی‌کرد؛ زیرا، معتقد بود «... تا زمانی که پرچم اسرائیل بر فراز سفارتش در قاهره برافراشته باشد، ... دولتهای عرب نباید از بازگشت مصر به اتحادیه عرب حمایت کنند». دمشق همچنین، موافقت کرد تا با برقراری جداگانه روابط دیپلماتیک دولتهای عرب با مصر مخالفت نکند. در نتیجه، عراق، بحرین، کویت، مراکش و امارات متحده عربی از ۱۲ تا ۱۴ ماه نوامبر به برقراری روابط دیپلماتیک با مصر اقدام کردند.^{۹۹} نشست اتحادیه عرب در حل مشکل دولت ریگان در زمینه جلب موافقت کامل کنگره برای ارسال بسته‌ای تسلیحاتی به عربستان سعودی نیز مؤثر بود، در واقع، کاملاً آشکار بود که عربستان به همراه اردن سعی می‌کرد عضویت مجدد مصر در اتحادیه عرب به رسمیت شناخته شود. این کشور، همچنین، از سیاست امریکا در

سعودی از نیروهای پاکستان برای حمایت از عراق یا کویت بهره بگیرد، افزایش یافت، ضمن آنکه احتمال حمله ایران به عربستان نیز وجود داشت؛ خطری که با حمله ایران به بصره، کشتار زائران ایران در مکه در ۳۱ ماه جولای و افزایش تنشهای موجود بین ایران و کویت طی تابستان و پاییز سال ۱۹۸۷ قوت بیشتری گرفت.

عربستان سعودی، در چهارچوب بخشی از برنامه اجلاس سران عرب، از دولت پاکستان خواست که مفاد قرارداد خود را با عربستان گسترش دهد تا بدین ترتیب، نیروهایش بتوانند در صورت حمله ایران به عربستان یا کویت مداخله کنند. همچنین، از این کشور خواست تا شیعیان را از نیروهای خود حذف کند. دلیل این تصمیم عربستان افزایش تنش در منطقه، روابط روبه رشدش با مصر و پایان قراردادش با پاکستان در ماه دسامبر بود. نیروهای مخفی ایران نیز در چندین مورد در شهرهای کراچی و کویت به ایرانیان مخالف رژیم حمله کرده بودند؛ بنابراین، پاکستان از آن می ترسید که در صورت اتخاذ موضعی علیه ایران با شورشهای گسترده‌ای در اسلام‌آباد روبه‌رو شود. از سوی دیگر، عربستان شایع کرده بود که پاکستان به طور مستقیم، به عراق کمک خواهد کرد؛ مجموعه عواملی که باعث شدند تا پاکستان مفاد قرارداد خود را تغییر ندهد و در مقابل، عربستان نیز آن را لغو کند.^{۱۲}

با لغو این قرارداد ارتش عربستان ده هزار نفر از

بنیادگرایی اسلامی قرار داشتند. در اواخر سال ۱۹۸۷، پاکستان موقعیت بسیار پیچیده‌ای پیدا کرد؛ زیرا، به دلیل تلاش برای دست‌یابی به سلاحهای هسته‌ای با توقف بالقوه کمکهای امریکا روبه‌رو شد؛ موضوعی که بر پرداخت کمک چهار میلیارد دلاری به این کشور طی شش سال آینده تأثیر گذاشت. بدین ترتیب، پاکستان تمایل کمتری به حمایت از موضع غرب در قبال ایران نشان داد. این کشور همچنین، نزدیک به دو میلیارد دلار از درآمدهای تجاری خود را از دست داده بود و با مشکلات سیاسی و اقتصادی بسیار زیادی - از جمله شورشهای شیعیان - در داخل کشور روبه‌رو بود. افزون بر آن، فشار ناشی از اسکان چندین میلیون آواره افغانی و حملات شوروی و افغانستان به پاکستان به تلافی حمایت این کشور از مجاهدین افغانی، پاکستان را به گسترش روابطش با شوروی وادار کرد.^{۱۱}

مجموعه این فشارها به تیرگی روابط پاکستان با عربستان سعودی منجر شد. از آغاز دهه ۸۰، پاکستان نیرویی ده هزار نفری را در عربستان مستقر کرده بود که یک تیپ تانک در تبوک نیز جزء آن بود. این نیروها وظیفه تعلیم نیروهای عربستان را بر عهده داشتند و قرار بود در صورت حمله اسرائیل، سوریه یا عراق به صورت یک سپر عمل کنند، اما در پی تهدید کویت از سوی ایران و نیز اینکه بیشتر آنها شیعه بودند، موقعیتشان متزلزل تر شد. با تصرف جزیره فاو از سوی ایران در سال ۱۹۸۶، این احتمال که عربستان



طی جنگ نفت کشها در سال ۱۹۸۷، ایران ۸۰ بار و عراق ۸۳ بار به نفت کشها حمله کردند؛ در نتیجه، تعداد کل حملات صورت گرفته از سال ۱۹۸۴، ۱۸۰ حمله از سوی ایران و ۲۱۵ حمله از سوی عراق بود

سربازان و یک تیپ زرهی خود را در غرب کشور از دست داد. همچنین، تلاش این کشور برای یافتن نیروی جایگزین از بنگلادش یا مراکش نشان می‌داد که کمتر کشوری می‌توانست چنان نیروی مدرن و تعلیم دیده‌ای را برای عربستان فراهم آورد. حقیقت آن بود که عربستان سعودی با استفاده از نیروهای خود، تنها می‌توانست یک تیپ تشکیل دهد که نیمی از آن را به تبوک و نیم دیگر را به حفرالبیتین فرستاده بود؛ بنابراین، در صورت سقوط بصره یا تهدید مستقیم کویت از سوی ایران، تعداد نیروهای رزمی قابل دسترس برای کشورهای جنوب خلیج فارس بسیار اندک بود. بدین ترتیب، دیدار سعودالفیصل، وزیر امور خارجه عربستان؛ شیخ محمدبن یزید آل نهبان، رئیس ستاد نیروی هوایی امارات؛ عصمت عبدالمجید، وزیر امور خارجه مصر؛ ابوغزاله، وزیر دفاع مصر؛ و عبدالجبار شنشل، وزیر دفاع عراق، در قاهره در ۱۱ ماه نوامبر اتفاقی نبود. با وجود این، چهار روز بعد، مصر اعلام کرد که قصد اعزام تیپ هوای یا هرگونه یگان رزمی به خلیج فارس را ندارد، اما موافقت کرد که خلبانان و مشاوران نظامی بیشتری را در اختیار عربستان قرار دهد. همچنین، توافق شد تا سازمان توسعه صنعتی عرب که از زمان انعقاد پیمان کمپ دیوید راکد مانده بود، دوباره احیا شود. عراق نیز تمایل شدید خود را برای به خدمت گرفتن مربیان نظامی، هواپیماهای الفاجت^(۱) و توکانو^(۲) و خرید بالگردهای ضدتانک گزال ساخت مصر اعلام کرد.^{۱۳}

مجادله آمریکا بر سر فروش موشکهای استینگر به بحرین

در پایان ماه نوامبر، آمریکا درگیر جدال جدیدی بر سر فروش اسلحه شد. سفیر ایران در امارات متحده عربی در ۲۲ ماه نوامبر اعلام کرد که ایران به اندازه‌ای موشک استینگر در اختیار دارد تا شرایط رسوایی امریکا را فراهم آورد؛ رسوایی‌ای فراتر از رسوایی ایران - کنترا که آینده

رئیس جمهور امریکا را به خطر خواهد انداخت. وی ادعا کرد که تعداد موشکهای ایران از ۲۵ فروندی که از طریق مجاهدین افغان به دست آمده است؛ بیشتر می‌باشد و ایران جزئیات بیشتر آن را زمانی فاش خواهد کرد که رسوایی بیشتری برای امریکا به بار آورد.

این ادعا زمانی اعلام شد که گروههای طرفدار اسرائیل در امریکا سخت در پی تصویب قانونی از سوی کنگره بودند تا موشکهای استینگر، تنها به متحدهای رسمی امریکا فروخته شود. این قانون از سوی میل لوین^(۳) پیشنهاد شد و پارلمان آن را در تاریخ ۱۸ ماه نوامبر سال ۱۹۸۷، با رأی ۳۲۲ رأی موافق در برابر ۹۳ رأی مخالف تصویب کرد.

سناتور دنیس دکونسینی^(۴) لایحه مشابهی را پیشنهاد کرد که در ۳ ماه دسامبر در کمیته فرعی روابط خارجی سنا به تصویب رسید. تا این زمان، کاخ سفید به وضوح اعلام کرده بود که بحرین با در اختیار قرار دادن تأسیسات مهم لجستیکی و شناسایی از حضور امریکا در خلیج فارس حمایت می‌کند. فروش موشکهای استینگر به بحرین از سوی رئیس و عضو ارشد اقلیت کمیته فرعی، رئیس اکثریت سنا، رابرت دال، وزارتخانه‌های دفاع و خارجه و رئیس ستاد مشترک ارتش امریکا حمایت می‌شد.^{۱۴}

این اقدامات تهدیدی را نشان می‌داد که علیه طرح فروش چهارده فروند پرتابگر موشکهای استینگر و شصت، هفتاد فروند از این موشکها به بحرین و دیگر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس وجود داشت. هر چند مبلغ هفت میلیون دلاری این معامله به این معنی بود که به تأیید کنگره نیازی نیست، اما دولت ریگان مجبور شد سفارش بحرین را اندکی به تعویق بیندازد تا از تأیید فروش بسته تسلیحاتی به عربستان از سوی کنگره مطمئن شود. در این مورد نیز، همانند بیشتر مباحث کنگره امریکا، موضوع اصلی و مهم همانا تقویت پیوندهای امریکا با جهان عرب بود.

موشکهای استینگر مورد نظر، نه از نوع اصلاح شده یا گونه بسیار پیشرفته این موشکها به نام فرااستینگر^(۵)، بلکه جزء گونه اولیه و قدیمی موشکهای استینگر بودند. تا این زمان، شوروی بیش از هفده هزار فروند موشک زمین به هوای سبک و قابل حمل مانند سام ۷، سام ۱۳ و سام ۱۴ را به کشورهای جهان سوم فروخته بود و تقریباً، ۷۰ درصد از این سلاحها روانه کشورهای خاورمیانه و جنوب آسیا شده بود. موشک سام ۱۴ گرمین در حقیقت، گونه مشابه موشکهای استینگر بود که شوروی جزئیات کامل طرحها و

(1) Alphajet

(2) Tucano

(3) Mel Levin

(4) Dennis Deconsini

(5) Post Stinger

هدف ایران از اجرای عملیات در شمال عراق، دست یابی به قسمتی از خاک شمال عراق بود تا بتواند به سوی سلیمانیه پیش برود و با کنترل سد در بندیکان، برق بغداد را قطع کند

مقابل، ایران نیز موافقت نمود تا نسبت به آزادی پل توری^(۹)، کنسول فرانسه در ایران و همچنین، دو نفر فرانسوی دیگر که در بیروت به اسارت گرفته شده بودند، اقدام کند. باید یادآور شد که حزب الله لبنان به غیر از این دو نفر، سه گروهان دیگر را نیز در اختیار داشت. به دنبال این توافق، دولت فرانسه قوه قضائیه را برای آزادی گرجی به شدت تحت فشار قرار داد و گروههای اطلاعاتی فرانسه ادعا کردند که به شواهدی دست یافته اند که نشان می دهد گرجی مسئول بمب گذاریهای پاریس است که طی آنها، دوازده نفر کشته و نزدیک به ۱۵۰ نفر زخمی شدند. آزادی گرجی شکل گیری نظریات خصمانه در میان مردم فرانسه و اعتراضات امریکا را در پی داشت، ضمن آنکه مارگارت تاچر، نخست وزیر انگلستان، نیز صریحاً، آن را محکوم کرد.^{۱۶}

با همه اینها، فرانسه به تعهد خود مبنی بر اعزام نیرو به خلیج فارس عمل کرد و حتی همکاری خود را با دیگر نیروهای اروپایی در منطقه نیز افزایش داد و از تحریم تسلیحاتی سازمان ملل علیه طرفهای جنگ ایران و عراق حمایت کرد.

در ماه ژانویه سال ۱۹۸۸، فرمانده نیروهای فرانسوی مستقر در خلیج فارس در برابر حملات ایران به کشتیهای غربی در خلیج فارس، موضع بسیار سرسختانه ای را اتخاذ کرد. دریادار گای لابوری^(۱۱) از تمامی کشتیهای غربی خواست تا به کمک کشتیهای بشتابند که هدف ایران قرار می گیرند با مشکل روبه رو می شوند. لابوری زمانی این موضع را اتخاذ کرد که یک فروند ناوچه فرانسوی به نام دوپلکس^(۱۲)، که در حال اسکورت یک فروند مین روب این کشور بود، سه فروند قایق توپدار سپاه را از یک نفت کش لیبریایی دور کرد. در واقع، فرانسه می خواست با این نمایش قدرت به ایران بفهماند که معامله گروگانها به منزله تسلیم و سکوت فرانسه نیست.^{۱۷}

جزئیات آن را از طریق یک کارشناس الکترونیک یونانی به نام میشل مگال اکونومو^(۱) در سال ۱۹۸۴ به دست آورده بود. وی و یک افسر نیروی دریایی اطلاعات تکنیکی فراوانی را در آتن در اختیار شوروی قرار دادند، طوری که این کشور با استفاده از آنها توانست سطح کیفی جنگنده ها و بالگردهای خود را که در افغانستان از آنها استفاده می کرد، تا حد درخور توجهی بهبود بخشد. به هر حال، سنا در ۱ ماه دسامبر سال ۱۹۸۷، فروش موشکهای استیونگر را ممنوع اعلام کرد.^{۱۵}

مبادله گروگانها بین فرانسه و ایران

موقعیت غرب در خلیج فارس در اواخر سال ۱۹۸۷، به دلیل توافق صورت گرفته بین ایران و فرانسه متزلزل شد. در این توافق، فرانسه پذیرفت که به محاصره سفارت ایران در پاریس پایان دهد و وام درخور توجهی را به ایران واگذار کند. ایران نیز متعهد شد گروگانهای فرانسوی را آزاد کند. معامله پنهانی فرانسه با ایران زمانی آشکار شد که دو مجله فرانسوی، اکسپرس و پوینت^(۲)، گزارشی را درباره فروش سلاح به ایران از سوی دولت سابق فرانسه منتشر کردند و رسوایی بزرگی را به بار آوردند. این دو مجله قسمتهایی از گزارش ژنرال فرانکوئیس باربا^(۳)، ژنرال بازرسی ارتش فرانسه را منتشر کردند که دقیقاً مشخص می کرد چارلز هرنو^(۴)، وزیر دفاع اسبق فرانسه، از فروش ۴۵۰ هزار گلوله توپهای ۱۰۵، ۱۷۵ و ۲۰۳ میلی متری به ارزش ۱۱۵ میلیون دلار به ایران از سوی شرکت لوشر^(۵) آگاه بوده است. همچنین، طبق این گزارشها، احتمالاً، رئیس جمهور میتران^(۶) از موضوعاتی چون برهم زدن این معامله که دست کم، هجده میلیون دلار خسارت در پی خواهد داشت؛ دانیل دووورین^(۷)، رئیس سوسیالیست شرکت لوشر، ۳ تا ۵ درصد از مبلغ دریافت شده از این معامله را در اختیار حزب سوسیالیست فرانسه قرار داده است؛ و لوشر ۷۲ تن مواد منفجره سی ۴ را نیز به ایران فروخته، آگاه بوده است. با همه اینها، دولت محافظه کار شیراک^(۸) بر رسوایی سوسیالیستها سرپوش نهاد.

در ۲۹ ماه نوامبر، معلوم شد که فرانسه درباره واگذاری مبلغ ۳۳۰ میلیون دلار به صورت وام به ایران با این کشور به توافق رسیده است. دولت فرانسه همچنین، پس از دو ساعت بازجویی به وحید گرجی اجازه داد تا به ایران بازگردد و در پی این اقدام، مهره های اصلی مجاهدین خلق را که ساکن فرانسه بودند، از این کشور اخراج کرد. در

(1) Michael Megaleconomou (2) L. Express/Le Point
(6) Mitterand (7) Daniel Dewavrin (8) Chirac

(3) Francois Barba (4) Charles Hernu (5) Luchaire
(9) Poul Torri (10) Guy Labourie (11) Duplex

تداوم جنگ نفت کشها در ماه دسامبر و اوایل سال ۱۹۸۸

اقدامات نظامی در ماه دسامبر سال ۱۹۸۷ بر جنگ نفت کشها متمرکز بود. حملات عراق بیشتر علیه نفت کشهای ایران و گاهی نیز علیه اهداف زمینی از جمله سدها و پالایشگاههای ایران انجام می شد. افزون بر آن، عراق به نفت کش آناکس^(۱) در ۲ ماه دسامبر و به نفت کش آکتینا دوبار در ۴ همین ماه حمله کرد. در مقابل، هرچند ایران بین ۲۶ ماه نوامبر تا ۶ ماه دسامبر به هیچ گونه اهداف زمینی یا هیچ نفت کشی حمله نکرد، اما قایقهای توپدار سپاه پاسداران در ۶ ماه دسامبر به نفت کش دانمارکی استل مرسک^(۲) حمله کردند و نفت کش اُبی انورمن آتلانتیک^(۳) را که حامل پرچم سنگاپور بود، از کار انداختند.

کشتیهایی که مبدأ یا مقصد آنها کویت بود، ۳ تا ۶ مورد در هر ماه بود و در پایان سال، میانگین این حملات علیه کشتیهایی که مبدأ یا مقصد آنها عربستان بود، به تدریج، افزایش یافت. جمع کل حملات ایران علیه کشتیهایی که مقصد آنها عربستان بود، تنها ۱ مورد در ماه فوریه، سه مورد طی ماههای مارس و آوریل و ۷ مورد طی ژوئن و اوت گزارش شد که این میزان در ماه سپتامبر به ۱۶، در ماه اکتبر به ۲۲، در ماه نوامبر به ۲۶ و در ماه دسامبر به ۳۸ مورد رسید.^{۱۹} این حملات بر جریان نفت از عربستان تأثیری نداشت، اما صادرات نفت از کویت را اندکی تهدید کرد. عملیات اسکورت نفت کشهای کویتی از سوی امریکا، امنیت لازم را برای صدور محصولات نفتی و گاز طبیعی مایع این کشور تأمین می کرد، اما انتقال قسمت عمده نفت خام



کویت خارج از عملیات اسکورت صورت می گرفت. حمله موشکی به نفت کش سی ایل سیتی در ۱۷ ماه اکتبر باعث شد تا بعضی از شرکتها در مورد حمل نفت خام کویت احتیاط کنند. به نظر می رسد که ایران تلاش داشته است تا از این موقعیت برای کاهش صادرات نفت خام کویت استفاده کند.

حملات مزبور، ناخدایان نفت کشها را وادار کرد تا در انتهای کاروانهای اسکورت حرکت کنند، سکوت رادیویی اختیار کنند یا اینکه با حرکت در یک خط در رادارها، خود را به شکل کاروانهای اسکورت جلوه دهند. هرچند این اقدامات احتمالاً، آرامش ناخدایان و خدمه نفت کشها را باعث می شد، اما تأثیر چندانی بر میزان آسیب پذیری این کشتیها نداشت؛ زیرا، قایقهای تندرو به طور دائم در

هر دو کشور ایران و عراق در روزهای باقی مانده این ماه، دامنه حملات خود را به کشتیهای باری گسترش دادند؛ بنابراین، تقریباً ۶۰ درصد از کل حملات صورت گرفته علیه کشتیها در سال ۱۹۸۷ در چهارماهه آخر این سال و پس از شکست درخواست آتش بس سازمان ملل در ۲۹ ماه اوت روی دادند و این حملات در ماه دسامبر به اوج خود رسیدند. در کل، ۲۱ حمله در ماه نوامبر و ۳۴ حمله در ماه دسامبر صورت گرفت.^{۱۸}

در این میان، حملات ایران بیشتر متوجه کویت و عربستان بود. از میان ۸۰ حمله ای که ایران در سال ۱۹۸۷ علیه کشتی رانی در خلیج فارس ترتیب داده بود، ۷۳ حمله علیه کشتیهایی انجام شد که مبدأ و مقصد آنها کویت یا عربستان سعودی بود. میانگین حملات ایران علیه

(1) Anax (2) Estell Maersk (3) OBO Norman Atlantic

شرکت بیمه لویدز حق بیمه خطر خود را از ۷۵ درصد به ۴۵ درصد در فوریه ۱۹۸۸ کاهش داد.^{۱۱۲} طی جنگ نفت کشها در سال ۱۹۸۷، ایران ۸۰ بار و عراق ۸۳ بار به نفت کشها حمله کردند. در نتیجه، تعداد کل حملات صورت گرفته از سال ۱۹۸۴، ۱۸۰ حمله از سوی ایران و ۲۱۵ حمله از سوی عراق بود، اما باید یادآور شد که مرگباری اغلب این حملات بسیار محدود بود. از آغاز سال ۱۹۸۴، تا سال ۱۹۸۷، ایران، تنها ۱۶ فروند کشتی را منهدم یا به آنها خسارت کلی وارد کرده بود و عراق نیز ۴۹ فروند کشتی را متلاشی و به ۹ فروند خسارت جدی وارد آورده بود.

هرچند عراق تعداد حملات خود به کشتیها را از ۶۵ مورد در سال ۱۹۸۶ به ۸۳ مورد در سال ۱۹۸۷ افزایش داده بود، اما صادرات نفتی ایران از طریق خلیج فارس در سال ۱۹۸۷، ۴۰ درصد از سال ۱۹۸۶ بیشتر بود. این امر نشان می دهد که موضوع قیمت نفت و اشباع بازار نفتی در آن

خلیج فارس در حال گشت بودند.

حملات ایران اندکی پیش از عید کریسمس به اوج خود رسید. هر چند بیشتر حملات را نیروی دریایی سپاه انجام می داد، اما ناوچه های نیروی دریایی ارتش نیز در خلیج فارس فعال بودند. نیروهای ایران از ۱۸ تا ۲۳ ماه دسامبر علیه نفت کشهای حامل نفت خام که مبدأ یا مقصد آنها کویت بود، سه حمله انجام دادند. ناوچه های ایران در ۱۸ و ۲۲ همین ماه، به ترتیب، روی یک فروند نفت کش نروژی و یک فروند نفت کش لیبریایی آتش گشودند. روز بعد، نیروی دریایی سپاه به یک فروند نفت کش نروژی دیگر نیز حمله کرد. هر چند در این حملات، هیچ کس از خدمه کشتیها آسیب ندید، اما هیچ یک از این سه کشتی نیز دیگر برای حمل نفت خام مناسب نبودند. در اثر این حملات جدی، کویت مجبور شد مجدداً، از کشتی بریجتون برای حمل نفت خام استفاده کند و آن را تحت عملیات اسکورت امریکا قرار دهد.

اصلی ترین خطای امریکا در بدو ورود به خلیج فارس و در جریان جنگ نفت کشها در این واقعیت ریشه داشت که این کشور عجولانه و به دلیل مسائل سیاسی بیرونی به خلیج فارس وارد شد؛ در نتیجه، به درستی از سیستم امنیت ملی و کارشناسان آن بهره مند نشد

زمان از جنگ نفت کشها بسیار مهم تر بوده است، طوری که هر دو کشور ایران و عراق به تدریج، صادرات نفتی خود را در نیمه دوم سال ۱۹۸۷ افزایش دادند.^{۱۱۳}

گسترش جنگ زمینی و فروش اسلحه به ایران در ماه دسامبر و اوایل سال ۱۹۸۸

برخلاف اوایل جنگ، در این دوران، جنگ زمینی بین ایران و عراق، به آرامی ادامه داشت. ایران پس از حمله گسترده خود به بصره، به حملات تهاجمی کوچک اقدام کرد و سلسله حملات محدودی را با نامهای کربلا، نصر و فتح ترتیب داد که البته، بیشتر حملات کوچک شبانه بودند و تنها برای بازپس گیری یک منطقه بسیار کوچک مرزی یا یک مقر کوهستانی ترتیب داده می شدند. ایران در منطقه کردنشین شمال عراق موفق تر بود و از افراد این منطقه حمایت می کرد. برخی از اسیران جنگی عراق نیز حاضر بودند علیه عراق بجنگند. این نیروها مکان مشخصی در شمال عراق نداشتند، اما می توانستند شبانه، روستاهایی را به تصرف خود در آورند. آنها اغلب، به کاروانهای عراقی

در مورد ترتیب دقیق حوادثی که به توقف این حملات تصاعدی منجر شد، مطمئن نیستیم، اما به نظر می رسد که امریکا بی سروصدا ایران را تهدید کرد و سوریه ایران را برای توقف حملاتش تحت فشار قرار داد. عراق نیز در ۲۲ ماه دسامبر حملات هوایی گسترده ای را علیه نفت کشهای در حال تردد ایران نزدیک جزیره لارک آغاز کرد و نشان داد که می تواند چهار فروند سوپر نفت کش را که از آنها به عنوان مخزن نفت استفاده می شد، هدف قرار دهد. نفت کش ۵۶۴۷۳۹ تنی سی و ایزجاینت^(۱) بزرگ ترین نفت کش دنیا نیز یکی از اهداف عراق بود.^{۱۱۴}

صرف نظر از علت آن، ایران به سرعت، تناوب و شدت حملات خود را علیه نفت کشهای کویتی کاهش داد و سپس، از حمله به کشتیهای تحت اسکورت غرب در طول زمستان ۱۹۸۷-۱۹۸۸ (۱۳۶۶) خودداری کرد و به سرعت، از شدت حملاتش کاست.

در نتیجه، کویت توانست صادرات نفت خام خود را طی دو فصل اول سال از ۹۷۰/۰۰۰ بشکه در روز به ۷۲ میلیون بشکه در روز در زمستان افزایش دهد.^{۱۱۵} همچنین،

(1) Seawise Giant

حمله می کردند و در طی روز جاده ها را می بستند. گاهی نیز می توانستند برق شهرهای بزرگی مانند کرکوک را قطع کنند.

به دنبال این اقدامات، عراق مجبور شد لشکر چهارم از سپاه هفتم را از جنوب عراق به این منطقه اعزام کند، اما اقدام عمده آن، بمباران شدید و اسکان دادن آنها در دیگر روستاهای کردنشین بود. این کار، نه تنها دشمنان قبلی را تنبیه نکرد، بلکه دشمنان جدیدی را نیز پدید آورد. باید توجه کرد که کردها به عراق آسیب رسانده بودند، اما آن را تهدید نکرده بودند.

ایران بسیج فصلی نیروهای خود را در پاییز انجام داد و نیروهای زمینی عظیمی را در جبهه جنوب برای حمله به بصره فراهم آورد. در رادیو و تلویزیون این کشور، صحبت از یک حمله سرنوشت ساز بود و گزارشهایی نیز درباره تشکیل دوپست گردان بسیجی (دویست تا پانصد هزار مرد جنگی) ارائه می شد، اما واقعیت این بود که تعداد افراد نیروهای ایران از شصت هزار نفر به صد هزار نفر افزایش یافته بود تا به صورت چرخشی در جبهه ها حاضر شوند؛ رقمی که نمی توانست بیست لشکر مورد ادعای ایران را در جبهه جنوب پوشش دهد. از آنجا که تعداد کل افراد داوطلب از هشتاد هزار نفر در سال ۱۹۸۶ به چهل هزار نفر در سال ۱۹۸۷ کاهش یافته بود، ایران مجبور شد تا در اوایل ماه ژانویه سال ۱۹۸۸، دوره سربازی را از ۲۴ ماه به ۲۸ ماه افزایش دهد. در اوایل جنگ، ایران پیش از هر حمله گسترده ای، نیروهای پشتیبانی و تدارکاتی زیادی را به جبهه ها اعزام می کرد، اما در اواخر جنگ، دیگر خبری از این نیروها نبود.

ایران توانست از سلاحهای دریافتی از چین، اتریش و کره شمالی برای تقویت جبهه های خود استفاده کند و میزان ضعف تجهیزاتی اش را نسبت به عراق از یک به سه به نصف برساند. ایران همچنین، جاده های جدیدی را احداث کرد تا بتواند طی حملات خود، با اعزام نیروهای جدید به

عملیات اسکورت نفت کشتیهای کویتی، امنیت لازم را برای صدور محصولات نفتی و گاز طبیعی کویت تأمین می کرد، اما انتقال قسمت عمده نفت خام این کشور خارج از عملیات اسکورت صورت می گرفت

منطقه عملیاتی، نیروهایش را تقویت کند. با این حال، تعداد چادرها، کامیونها و تدارکات پشتیبانی ارسالی به جبهه نسبت به اوایل جنگ بسیار کاهش یافته بود.^{۱۱۴}

توان دفاعی عراق از توان تهاجمی ایران بیشتر بود. عراق حدود ۹۰۰ هزار نفر را همواره، در جبهه های جنگ داشت، اما نیروهای ایرانی که تمام وقت در جبهه فعالیت داشتند، ۶۰۰ هزار نفر بود. عراق نزدیک به ۲۵۰ هزار نفر را در جنوب در اطراف بصره مستقر کرده بود و سه حلقه دفاعی در اطراف این شهر تشکیل داده و در طول جبهه جنوبی و مرکزی خود، خطوط دفاعی شمال - جنوب را پدید آورده بود. همچنین، عراق تعداد دستگاههای حمل تانک خود را از ۱۰۰۰ دستگاه به ۱۵۰۰ دستگاه افزایش داد و جاده های جدیدی را برای انتقال نیروهای جبهه مرکزی به جبهه جنوبی در عرض ۱۲ تا ۲۴ ساعت ایجاد کرد و بزرگراه شش بانده جدیدی را برای جلوگیری از رخنه نیروهای ایران به مواضع عراق از طریق جاده های شمال - جنوب ساحل غربی دجله و در نتیجه، قطع ارتباط بصره و بغداد، ایجاد کرد که از صفوان در مرز کویت آغاز می شد، از زبیر و ناصریه می گذشت و سپس، به سمت شمال به طرف بغداد ادامه می یافت. باتوجه به وجود خطوط راه آهن و یک جاده دیگر در طول فرات که به سوی غرب عراق امتداد داشت، این مجموعه ارتباطی، خط ارتباطی شمال - جنوب عراق را در برابر نفوذ ایران امنیت می بخشید.^{۱۱۵}

هر چند درباره علل توقف حملات زمینی ایران مطمئن نیستیم، اما این امر قطعاً به دلیل کمبود سلاح نبوده است. البته، نباید فراموش کرد که این کشور در دست یابی به سلاحهای غربی با مشکل روبه رو بود. برای نمونه، ۶۰ تا ۷۰ درصد از ۷۵ میلیارد دلار سلاحی را که ایران در سال ۱۹۸۷ دریافت کرد، از جمهوری خلق چین و کره شمالی، ۲۰ درصد آن را از اروپای شرقی و ۲۰ درصد باقی مانده را از دیگر قسمتهای جهان تأمین می نمود. البته، باید یادآور شد هر چند این کشور تولید تسلیحاتی خود را در سال ۱۹۸۷ تا دو برابر افزایش داد و از نظر سلاحهای کوچک و مهمات خود کفا بود، اما مشکل اصلی آن وابستگی به کشورهای خارجی برای تأمین فیوزها و قطعات محرکه جنگ افزارها بود. این کشور همچنین، به تولید گاز فسوژن^(۱) اقدام کرد، هر چند در زمینه تولید سلاحهای شیمیایی پیشرفته هنوز با عراق اصله بسیار زیادی داشت.^{۱۱۶}

در سال ۱۹۸۷، جمهوری خلق چین تسلیحاتی به ارزش ششصد میلیون دلار را شامل توپخانه، مهمات و

(1) Phosgene

است. مجدداً، تلفات گسترده‌ای را متحمل شود. دلیل دیگر می‌توانست فشار سوریه و سایر کشورها به ایران برای توقف حملاتش باشد؛ زیرا، به نظر آنها، این حملات جهان عرب و حمایت شوروی و چین از تحریم تسلیحاتی علیه ایران در سازمان ملل را باعث می‌شد [...] .

به هر حال، حمله محدود دو تیپ از نیروهای ایران در مردابهای شمالی هویزه در جبهه جنوبی - مرکزی، تنها تحرک زمینی چشم‌گیر در جبهه جنوب در روزهای ۲۰ و ۲۱ ماه دسامبر سال ۱۹۸۷ (۲۹ و ۳۰ آذر ماه سال ۱۳۶۶) بود که طی آن، نیروهای ایران در طول رودخانه‌ای در منطقه مرزی فکه، نزدیک پاسگاه زبیده و شرق شهر عراقی میسان (عمارہ سابق)، به نبرد با نیروهای عراقی پرداختند.

هر چند هر دو کشور، طبق معمول، ادعای پیروزی داشتند، اما به نظر می‌رسد تلفات ایران از عراق بیشتر بود؛ چرا که یک تیپ از نیروهای ایران که در صدد ایجاد شکاف در خطوط دفاعی عراق بودند، در میدان مین گرفتار شدند و بدین ترتیب، عراق از امکانات برتر توپخانه‌ای خود بهره گرفت و تلفات سنگینی را به ایران وارد کرد. پس از این حمله، ایران دیگر به طرف بصره حمله نکرد.^{۱۱۹}

تحریم تسلیحاتی و اقدامات صلح در آغاز سال ۱۹۸۸

در اوایل سال ۱۹۸۸، اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران و عراق مغشوش و نامطمئن بود. دبیرکل سازمان ملل در ۱۰ ماه دسامبر سال ۱۹۸۷ مذاکرات صلح را با این دو کشور متوقف و آن را به شورای امنیت واگذار کرد. عراق با زمان آتش‌بس و عقب‌نشینی نیروها موافق نبود و ایران نیز اصرار داشت که پیش از اجرای آتش‌بس، عراق به عنوان متجاوز اعلام شود. در این میان، واگذاری موضوع به شورای امنیت دو مشکل را در پی داشت، بدین صورت که مشخص نبود چین بدون اطمینان از حمایت شوروی از تحریم تسلیحاتی، با آن موافقت کند و دیگر اینکه امکان داشت هر یک از کشورهای چین و شوروی بعد از پذیرفتن تحریم تسلیحاتی

موشک برای ایران ارسال کرد. همچنین، تجهیزات لازم را برای تولید سلاح و موشک نیز به این کشور فروخت و افزون بر آن، در ماه ژانویه سال ۱۹۸۸، محموله تسلیحاتی دیگری به ارزش دویست میلیون دلار به ایران ارسال و موافقت کرد که تا پایان سال ۱۹۸۸، معادل چهارصد میلیون دلار سلاح در اختیار این کشور قرار دهد.

در همین سال (۱۹۸۷)، کره شمالی نیز معادل چهارصد میلیون دلار سلاح را شامل توپخانه، فایقه‌های گشت تندرو و موشکهای سطح به سطح اسکاد طرح شوروی به ایران فروخت. محموله تسلیحاتی جدید آن نیز شامل موشکهای اسکاد و کرم ابریشم در ماه ژانویه سال ۱۹۸۸ به ایران رسید. کشورهای عضو پیمان ورشو نیز معادل ۳۵۰ میلیون دلار اسلحه شامل تعداد زیادی نفربر و تعدادی توپ خودکشی را به این کشور فرستادند. به رغم شایعه‌های موجود، به نظر نمی‌رسد که هیچ یک از این کشورها جنگنده جت به ایران ارسال کرده باشند.

اسپانیا و پرتغال نیز تجهیزاتی معادل ۱۵۰ میلیون دلار مهمات و مواد منفجره را شامل ۲۰۰ هزار گلوله توپ - که قرار بود طی سالهای ۱۹۸۷-۱۹۸۸ ارسال شود -، ۲۰۰ هزار چاشنی، ۲۵۰۰ تن تی.ان.تی و ۶۵۰ تن باروت در اختیار ایران قرار دادند. البته، باید یادآور شد که قسمتی از این مواد را عملاً، شرکت فرانسوی لوشر تولید کرده بود. البته، این شرکت و مقامات ارشد دفاعی و اطلاعاتی فرانسه از فروش این مهمات اطلاع ضمنی داشتند و دولت محافظه‌کار این کشور نیز به این موضوع واقف بود.^{۱۲۰}

شرکتهای ژاپنی معادل صد میلیون دلار کامیون و قطعات یدکی به ایران فروختند و شرکتهای خصوصی آلمان غربی و سوئیس نیز همچنان، به فروش تجهیزات و جنگ افزارهای شیمیایی ادامه دادند، در این میان، برزیل مهم‌ترین تأمین‌کننده سلاح برای ایران بود که گاهی از لیبی به عنوان واسطه استفاده می‌کرد. این امر نشان می‌داد که ایران در زمینه دست‌یابی به سلاحها و قطعات یدکی غربی، به ویژه قطعات هواپیماهایی مانند اف-۵، درمضيقه است.^{۱۲۱}

تأخیر بارش بارانهای سالانه به عراق اجازه داد تا به طور مؤثری تا ماههای آخر سال از نیروی زرهی خود استفاده کند. به همین دلیل، ایران نتوانست به حملات عمده و گسترده‌ای دست بزند. شاید دلیل دیگر این موضوع تلفات سنگین نیروهای این کشور در نبرد بصره در سال ۱۹۸۷ بود. در واقع، ایران دیگر نمی‌خواست با حمله به جبهه‌ای که امکانات دفاعی بسیار پیشرفته‌ای در آن مستقر

**امریکا در جریان جنگ خلیج فارس
در سامان دهی امور برای یک
جنگ کم شدت موفق نبود و
ابزارهای سیاسی و نظامی لازم
برای دست‌یابی به اهداف نهایی
خود را به درستی تشریح نکرد**



اگر عربستان سعودی می‌توانست شوروی را نسبت به حمایت از تحریم تسلیحاتی متقاعد کند، اقدامات سازمان ملل سریع‌تر انجام می‌شد. به همین دلیل، سعود الفیصل، وزیر امور خارجه عربستان، سرپرستی مذاکرات پنهانی با شوروی را برعهده گرفت. در این مذاکرات، حفظ روابط دیپلماتیک رسمی بین شوروی و عربستان و ایجاد سفارت شوروی در ریاض نیز مطرح شد. در اواخر ماه ژانویه سال ۱۹۸۸، سعود الفیصل با گرومیکو^(۲) رئیس‌جمهور و شوارز نادزه، وزیر امور خارجه شوروی، دیدار کرد. در این دیدار، شاهزاده بندر^(۳)، سفیر عربستان در واشنگتن و پسر شاهزاده سلطان، وزیر دفاع عربستان، فیصل را همراهی می‌کردند. به جز این مذاکرات، به نظر می‌رسد که دو عامل دیگر، یعنی عدم تمایل شوروی به ادامه حمایت نظامی از سوریه و تمایل این کشور به دریافت کمک غرب برای عقب‌نشینی از افغانستان نیز بر نظر شوروی نسبت به موضوع تحریم تسلیحاتی تأثیر داشت. الکساندر بلونگوف^(۴)، سفیر شوروی در سازمان ملل، طی سخنرانی خود در ۱۴ ماه ژانویه، به این موضوع اشاره کرد و گفت که اگر ایران مذاکره نکند، اعمال تحریم تسلیحاتی علیه این کشور کاملاً ضروری خواهد بود.

شولتز، وزیر خارجه آمریکا، ضمن در نظر گرفتن امکان خودداری شوروی از پذیرفتن تحریم، در اواسط ماه فوریه، به ورنون والترز^(۵)، سفیر آمریکا در سازمان ملل، دستور داد تا جدول زمانی قطع‌نامه تحریم تسلیحاتی را

نسبت به آن پای بند نمانند. در واقع، شوروی از سویی، خود را به ایران نزدیک می‌کرد و از سوی دیگر، انتظار داشت که در ازای حمایتش از تحریم تسلیحاتی، موافقت رسمی غرب را برای اعطای نقشی رسمی به این کشور در خلیج فارس به دست آورد. در همین حال، خواستار حضور نیروهایی تحت پرچم سازمان ملل در منطقه نیز بود. در واقع، هدف مسکو از طرح چنین موضوعی محدود کردن آزادی عمل غرب بود.

تا پایان ماه دسامبر، شورای امنیت، تنها توانست طرح اولیه تحریم تسلیحاتی را مطرح و بررسی کند. اعضای دائمی شورای امنیت، به‌رغم وجود چند طرح در زمینه تحریم تسلیحاتی در ۲۵ ماه دسامبر، موافقت کردند که در اوایل سال ۱۹۸۸، قطع‌نامه‌ای را طرح‌ریزی کنند.

اما جالب توجه اینکه خبرگزاری شوروی، تاس، در ۱۹ ماه دسامبر، طی مقاله‌ای به قلم کروتیخین^(۱) که بیانگر تغییر موضع آنها بود، ایران را به طولانی کردن جنگ متهم و اهانت‌های زیادی به مقامات این کشور کرد. بدین ترتیب، مشخص شد که شوروی از جلب نظر ایران دست کشیده است. همچنین، یک سخن‌گوی وزارت خارجه آمریکا در ۲۸ ماه دسامبر اعلام کرد که در صورت موافقت شورای امنیت با تحریم تسلیحاتی، آمریکا می‌تواند ساختار نیروی دریایی سازمان ملل را طرح‌ریزی کند. البته، به شرطی که ورود این نیروی جدید بر عملکرد و حمایت نیروی ویژه آمریکا از کشتی‌رانی در خلیج فارس تأثیر نگذارد.

(1) M. Krutikhin

(2) Gromyko

(3) Bandar

(4) Alexander Belonogov

(5) Vernon A. Walters

اقدام خواهد کرد. این در حالی بود که در آن زمان، ایران ۱۷۵ درصد، عربستان ۲۴ درصد، عراق ۱۳/۷ درصد، امارات متحده ۹۳ درصد، کویت ۶/۷ درصد، ونزوئلا ۸۷ درصد و دیگر کشورهای عضو ۲۶/۱ درصد از نفت اوپک را تأمین می‌کردند؛ بنابراین، دولتهای جنوب خلیج فارس، به ویژه عربستان سعودی، به راحتی می‌توانستند تهدیدهای ایران را نادیده بگیرند. این کشورها در ۱۴ ماه دسامبر، در نشست اوپک در وین، طی نمایش قدرت بی‌سابقه‌ای، به مقابله با وزیر نفت ایران برخاستند و اخطار بسیار شدیدی به وی دادند. تولید نفت این کشورها از سهمیه تعیین شده بسیار بیشتر بود و قیمت عملی نفت دو، سه دلار از هجده دلار تصویب شده کمتر بود و هیچ یک از این کشورها در صدد از سرگیری سیستم سهمیه‌بندی نبودند. همچنین، این کشورها به هیچ وجه بر سهمیه عراق پافشاری نمی‌کردند و حتی از سیصد هزار بشکه نفت در روز که کویت و عربستان برای عراق به فروش می‌رساندند، نیز چشم‌پوشی کردند. در نهایت، وزیر نفت ایران به تهران بازگشت تا در مورد موافقت با سیستم سهمیه‌بندی پیشنهادی کسب اجازه کند. این در حالی بود که وزیر نفت عراق اعلام کرده بود که عراق، نه تنها تولید خود را به دو برابر سهمیه قبلی، ۷۵ میلیون بشکه در روز، افزایش خواهد داد، بلکه تا آنجا که بتواند نفت تولید خواهد کرد. در این میان، تنها چیزی که ایران به دست آورد، عدم موافقت رسمی اوپک، با برابری سهمیه عراق با این کشور بود. ایران حتی نتوانست سهمیه ۲/۴ میلیون بشکه روزانه خود را تولید کند. افزون بر آن، مجبور بود نفت خود را با قیمتهای بسیار پایین‌تر مانند دوازده و چهارده دلار برای هر بشکه نیز به فروش برساند، ضمن آنکه این قیمتها هزینه حمل و نقل و تخفیف را نیز شامل می‌شد. عربستان سعودی می‌توانست افزون بر سهمیه ۴/۳۴۳ میلیون بشکه نفت خود در روز، ۴/۲ میلیون بشکه دیگر نیز تولید کند. عراق به تولید روزانه ۲/۶ میلیون بشکه؛ کویت به رغم سهمیه ۹۹۶ هزار بشکه در روز، به تولید روزانه ۷۱ میلیون بشکه؛ و امارات متحده عربی به رغم سهمیه ۹۴۸ بشکه در روز، به تولید روزانه ۷۶ میلیون بشکه ادامه می‌دادند.^{۱۲۲}

تنظیم کند. این قطع‌نامه می‌توانست با رأی مثبت نه عضو از پانزده عضو شورا به شرط عدم وتوی آن از سوی اعضای دائمی شورا به تصویب برسد. در ضمن، امریکا تمایل خود را برای پیوستن به مذاکرات عقب‌نشینی شوروی از افغانستان، که در آن زمان، بین شوروی و پاکستان در جریان بود، اعلام کرد. با همه اینها، دیدار شولتز با گورباچف و شواردنادزه در اواخر ماه فوریه نیز در شوروی هیچ‌گونه، تمایل عمومی‌ای نسبت به حمایت از تحریم تسلیحاتی ایجاد نکرد. به هر حال، هشت ماه پس از صدور قطع‌نامه اصلی آتش‌بس سازمان ملل، هنوز هیچ‌گونه توافق رسمی در زمینه اجرای آن وجود نداشت.^{۱۲۰}

شکست ایران در نبرد اوپک

در جبهه نفت، ایران با ضعف کامل و قطعی روبه‌رو شده بود. در سال ۱۹۸۷، صادرات نفت عراق از ایران بیشتر بود. ظرفیت دو خط لوله عراق که از کشور ترکیه می‌گذشت، ۷۵ میلیون بشکه در روز بود و خط لوله فرعی دیگر آن، که به خط لوله عربستان متصل می‌شد و به سوی دریای سرخ جریان داشت، ظرفیتی معادل ۵۰۰ هزار بشکه در روز بود، ضمن آنکه عربستان با ساخت خط لوله مستقلی برای انتقال نفت عراق به نقطه‌ای در نزدیکی بندر ینبوع با ظرفیت ۷۱ میلیون بشکه در روز نیز موافقت کرده بود. این در حالی بود که ایران، به رغم مذاکراتش با ترکیه در مورد عبور خطوط لوله نفتش از این کشور و استفاده از لوله‌های گاز برای حمل نفت از طریق شوروی، هنوز هم به جزیره خارک و تنگه هرمز وابسته بود.^{۱۲۱}

ایران می‌کوشید از طریق اوپک با این ترفند عراق مقابله کند؛ بنابراین، در اوایل ماه دسامبر سال ۱۹۸۷ به همسایگان خود در خلیج فارس اعلام کرد که از سهمیه‌بندی اوپک حمایت خواهد کرد و قیمت رسمی پایه خود را از هجده دلار در بشکه به بیست دلار افزایش خواهد داد. سپس، در ماه ۹ دسامبر، اعلام کرد که اگر اوپک از آن حمایت نکند، سطح تولید خود را دوبرابر خواهد کرد و به جنگ قیمتها

در مرحله پایانی جنگ،

توان دفاعی عراق از توان تهاجمی ایران بیشتر بود؛
به طوری که عراق حدود ۹۰۰ هزار نفر را همواره در جبهه‌های جنگ داشت
اما تعداد نیروهای ایرانی از ۶۰۰ هزار نفر فراتر نمی‌رفت

تصاعد مجدد جنگ و ایجاد بحران

جنگ زمینی و هوایی طی ماههای آغازین سال ۱۹۸۸ نسبتاً آرام بود. ایران ادعا می کرد که به پایانه های نفتی غیرفعال البکر و العمیه در خلیج فارس حمله، سایت های راداری و موشکی عراق را منهدم کرده و دست کم، یکصد عراقی را به هلاکت رسانده است، اما به نظر می رسد که این ادعاها اغراق آمیز بوده است. ایران همچنین، ادعا می کرد سه فروند ناوچه عراق را منهدم کرده، در حالی که هیچ یک از این ناوچه ها در آن زمان، در آب های خلیج فارس نبودند.^{۱۳۳}

در ۱۵ ماه ژانویه سال ۱۹۸۸، ایران عملیات گسترده بیت المقدس ۲ را آغاز کرد. این حمله در جبهه شمالی در منطقه مرزی ماووت واقع در شمال سلیمانیه صورت گرفت؛ منطقه ای که از بهار سال ۱۹۸۷، ایران در آن به نبرد پرداخته و به موفقیت هایی نیز دست یافته بود. ایران ادعا می کرد ۶۸ کیلومتر مربع از خاک عراق را شامل ۱۱ ارتفاع و ۲۹ قله تصرف کرده است. همچنین، اعلام کرد که نزدیک به ۳۵۰۰ سرباز عراقی را کشته یا مجروح کرده و ۷۵۰ تن از آنها را به اسارت گرفته است.

زوال این موشکها، حدوداً، آنها را بدون استفاده کرده بود. عراق برای نخستین بار پس از ۴ ماه نوامبر در ۷ ماه فوریه سال ۱۹۸۸، به جزیره خارک حمله کرد و بارها، دفاع هوایی ایران را آزمود. این حملات باعث شد تا ایران در ۹ ماه فوریه سال ۱۹۸۸ با هواپیماهای اف-۱۴ خود به مقابله با هواپیماهای عراق برخیزد. هواپیماهای اف-۱۴ که به موشکهای رهگیر هوایی AIM-۹ مجهز بودند، روی دو هواپیمای میراژ اف-۱ عراق که به سمت آب های جزیره فارسی ایران در حرکت بودند، قفل کردند. در این جنگ هوایی، دست کم، یک فروند میراژ اف-۱ عراق سرنگون شد. با وجود اینکه ایران قسمت عمده توان هوایی خود را از دست داده بود، اما به نظر می رسد که هنوز حدود بیست فروند هواپیمای اف-۴، بیست فروند اف-۵ و هفت تا نه فروند هواپیمای اف-۱۴ عملیاتی داشته باشد.^{۱۳۵}

اما شدیدترین تغییرات در جنگ هوایی در اواخر ماه فوریه صورت گرفت. عراق در ۲۷ ماه فوریه سال ۱۹۸۸ به پالایشگاه تهران حمله کرد و به روش معمول، صدمات اولیه ای را به این پالایشگاه وارد کرد، اما نتوانست به

حمله شیمیایی عراق به حلبچه برای کنترل یا نابود کردن شهرهای گردنشین بود و در عین حال کوشید تا به ایران بفهماند در صورت ادامه جنگ شهرهای ایران نیز به سرنوشت حلبچه دچار خواهند شد

هرچند عراق این گزارشها را رد کرد، اما به نظر می رسد که ایران تا حدی موفق بوده است. هر چند این منطقه جمعیت چندانی نداشت و ارتفاعات آن ۲۷۰۰ تا ۵۹۵۰ متر بود، اما ارزش استراتژیک زیادی داشت؛ زیرا، این فرصت را به ایران می داد تا در حملات بعدی خود، به راحتی، موقعیتش را در جبهه شمال تحکیم بخشد و از این مکان کردهای مخالف رژیم عراق را به راحتی تأمین کند.^{۱۳۴}

در حوزه جنگ هوایی، عراق طی ماههای دسامبر، ژانویه و مارس به حملات خود علیه کشتیها، سدها، پلها و پالایشگاهها ادامه داد. در مقابل، کار چندانی از دست ایران بر نمی آمد. البته، ایران نیز در اوایل ماه ژانویه، با بهره گیری از هواپیماهای اف-۴ خود با موشکهای ماوریک به کشتیها حمله کرد. به نظر می رسد ایران به این نتیجه رسیده بود که اگر از موشکهای ماوریک قدیمی خود استفاده نکند، این موشکها کاملاً از رده خارج و غیرقابل استفاده خواهند شد، هر چند در عمل، کلاهک کوچک و سیستم هدایت روبه

حملات خود ادامه دهد یا وسعت حمله خود را به اندازه ای افزایش دهد که بتواند پالایشگاه را از رده خارج کند. با همه اینها، عراق توانسته بود صدماتی جدی به این پالایشگاه وارد آورد و ایران را به جیره بندی محصولات نفتی وادار کند. با این حمله عراق، جنگ شهرها از سر گرفته شد و ایران سه فروند موشک اسکاد را به سوی بغداد پرتاب کرد. طی جنگ، به ندرت پیش آمده بود که ایران این تعداد موشک را در یک حمله به سوی عراق پرتاب کند. بسیاری از کارشناسان نیز عقیده داشتند که تعداد موشکهای موجود در اختیار ایران بسیار اندک - حدود بیست تا سی فروند - است؛ بنابراین، شلیک هم زمان سه فروند موشک چشم گیر بود. البته، هر سه موشک به مناطق کم جمعیت جنوب بغداد اصابت کردند. بعد از ۸ ماه نوامبر سال ۱۹۸۷، این حملات نخستین حملات موشکی علیه عراق بود. بدین ترتیب، با این سه فروند، تعداد موشکهای شلیک شده علیه بغداد به ۳۷ فروند رسید.



عراق تا حدی در رسیدن به اهداف مزبور موفق بود. دولت ایران چند روز بعد از حملات موشکی اعلام کرد که قطعات کشف شده موشکها نشان می دهد که موشکهای مزبور ساخت شوروی اند که از سال ۱۹۸۵ به بعد، ساخته شده اند. به همین دلیل نیز، ایران آشکارا، شوروی را به دلیل تأمین موشک برای عراق سرزنش کرد. مردم تهران در ۶ ماه مارس، طی تظاهرات محدودی به سفارت شوروی حمله کردند. در همان روز، در تظاهرات دیگری در اصفهان نیز به کنسولگری شوروی حمله شد.^{۱۲۸}

ایران همچنین، با تلاشهای عراق در راستای برقراری آتش بس مقابله می کرد و با تظاهر به پذیرش قطع نامه سازمان ملل مانع اعمال تحریم تسلیحاتی این سازمان می شد، اما پذیرش ایران به حدی مبهم بود که این کشور را به هیچ امری متعهد نمی کرد. در ۵ ماه مارس، امریکا، انگلستان و فرانسه کوشیدند تا حمایت شورای امنیت را برای اعمال یک تحریم تسلیحاتی طی سی تا شصت روز جلب کنند، اما نتوانستند حمایت شوروی و چین را به دست آورند. شوروی با یک آتش بس محدود در زمینه حملات موشکی موافق بود که عراق به شدت آن را رد کرد. این موضوع مجدداً، در سازمان ملل شکاف ایجاد کرد. در این میان، تنها کاری که دبیرکل سازمان انجام داد، این بود که از هر دو کشور خواست تا وزیران امور خارجه خود را برای بررسی و تنظیم قطع نامه ای قاطع به نیویورک بفرستند.^{۱۲۹} در این مقطع، یعنی بین ۱۲ ماه فوریه تا ۶ ماه مارس، هیچ گونه حمله ای علیه کشتیها در خلیج فارس گزارش

این حمله ایران باعث شد تا عراق مجدداً، دامنه جنگ را گسترش دهد. این کشور در ۲۹ ماه فوریه، تعداد پنج فروند گونه دوربرد موشک اسکاد - بی را به سوی ایران پرتاب کرد؛ موشکهایی که تعجب ایران و کارشناسان اطلاعاتی غرب را برانگیخت؛ زیرا، آنها همان موشکهای اسکاد بودند که کلاهک سبک تر و سوخت بیشتری را حمل می کردند. البته، برخی از کارشناسان مدعی بودند که در این موشکها، از ماده انفجاری قوی و حساسی که در غرب طراحی شده و در عراق ساخته می شود، استفاده شده است.^{۱۲۶} به هر حال، عراق برد این موشکها را به دو برابر برد ۱۹۰ مایلی قبلی شان افزایش داده بود. برخی از آنها بیش از ۳۶۰ مایل را طی می کردند؛ بنابراین، عراق می توانست این موشکها را از جنوب بغداد به سوی تهران و قم پرتاب کند. عراق تا ۶ ماه مارس، ۳۳ بار به تهران و ۳ بار به قم حمله کرد. کلاهک موشکهای پرتاب شده، تنها حدود دویست تا چهارصد کیلوگرم وزن داشت و تلفات زیادی در شهرها به بار نمی آورد، با این حال، نزدیک به ۶۰ نفر کشته و ۱۳۰ نفر مجروح به جا گذاشتند. در واکنش به این حملات ایران ۱۶ فروند موشک اسکاد را به سوی عراق شلیک کرد که هدف دوازده فروند از آنها بغداد بود. به طور متوسط، عراق هر روز سه فروند و ایران یک فروند موشک را به سوی اهدافشان پرتاب می کردند. تا ۱۰ ماه مارس، عراق ادعا می کرد که ۴۲ فروند از ۴۷ فروند موشک پرتاب شده این کشور به سوی ایران، تهران را هدف قرار داده اند. ایران نیز مدعی بود که ۲۵ فروند موشک به سوی بغداد و چندین فروند دیگر به سوی دیگر شهرهای عراق شلیک کرده است. بدین ترتیب، هر دو طرف جنگ از توان هوایی خود نیز استفاده می کردند. عراق روزانه، حدود ده شهر ایران را هدف بمباران قرار می داد، در حالی که تعداد پروازهای ایران بسیار اندک بود، با استفاده از گلوله های توپ، بصره را به شدت هدف قرار می داد. هر دو کشور در ۱۱ ماه مارس، مجدداً به جنگ شهرها پایان دادند. این بار، ایران تعداد تلفات خود را ۱۶۵ نفر کشته و ۴۴۰ تن زخمی اعلام کرد.^{۱۲۷} به نظر می رسد منظور عراق از پرتاب موشکهای مزبور این بود که نشان دهد جنگ بسیار جدی است و بدین ترتیب، تلاشهای صلح سازمان ملل را سرعت بخشد. همچنین، پیامدهای سیاسی حمله به ایران، از پیامدهای حمله به کشتی رانی در خلیج فارس بسیار کمتر بود، ضمن آنکه عراق می کوشید با این کار بین ایران و شوروی جدایی بیندازد.

تأخیر بارش بارانهای سالانه در سال ۱۹۸۷ به عراق اجازه داد تا به طور مؤثری تا ماههای آخر سال از نیروی زرهی خود استفاده کند؛ به همین دلیل، ایران نتوانست به حملات عمده و گسترده‌ای دست بزند

نشد و این طولانی‌ترین دوره آرامش از زمان آغاز مداخله غرب در خلیج فارس بود، اما در ۶ ماه مارس، قایقهای نیروی دریایی سپاه پاسداران با بالگرد گشتی امریکا درگیر شدند. عراق نیز برای نخستین بار پس از ۹ ماه فوریه سال ۱۹۸۸ در ۸ ماه مارس، به یک فروند کشتی ایران حمله کرد. پیش از آن، این کشور ادعا می‌کرد که از آغاز سال ۱۹۸۸، ۲۳ فروند کشتی ایران را مورد هدف قرار داده است، این در حالی بود که شرکت‌های کشتی‌رانی، تنها نه مورد را تأیید کرده بودند. اما اکنون، عراق گاهی کشتیهایی را هدف قرار می‌داد و گروه‌های بیمه و شرکت‌های کشتی‌رانی نیز بیشتر حملاتش را تأیید می‌کردند. این کشور همچنین، در ۱۹ ماه مارس، حملات جدیدی را علیه جزیره خارک آغاز کرد که طی آن، دو فروند نفت‌کش را به آتش کشید و ۴۶ دریانورد را به هلاکت رساند. در مقابل، پاسداران ایران سلسله حملات جدیدی را در خلیج فارس آغاز کردند.

گزارش‌های رسیده در ۱۳ ماه مارس، از آغاز نبردی سخت‌تر حکایت داشت. در واقع، ایران در جبهه شمالی حملات گسترده‌ای را علیه شهرهای مرزی عراق مانند حلبچه، خرمال، سیدصادق دوجیله و دربندیخان آغاز کرد. این شهرها در غرب شهر ایرانی نوسود در ۱۵۰ مایلی شمال بغداد قرار داشتند. هدف ایران دستیابی به قسمتی از خاک شمال عراق بود تا بدین ترتیب، بتواند به سوی سلیمانیه پیش برود و کنترل آبگیر دربندیخان را به دست گیرد. این آبگیر از سوی یکی از بزرگ‌ترین سدهای عراق پدید آمده بود و برق قسمت اعظم شمال شرق عراق و بغداد را تأمین می‌کرد.

ایران به زودی ادعا کرد که گلوله‌بارانهای شدید توپخانه‌ای خود را علیه این مناطق آغاز کرده است. همچنین، مدعی شد که ترکیبی از نیروهای سپاه، شورشیان کرد و شورشیان داخل عراق و برخی از اسیران عراقی هفت روستای مرزی و ۲۴ کیلومترمربع از استان سلیمانیه را به

تصرف خود در آورده‌اند. عراق نیز مدعی بود که این حمله را دفع کرده، دو یگان مهاجم ایرانی را درهم کوبیده و هزار نفر ایرانی را به هلاکت رسانده است.

توقف جنگ شهرها در همین روز پایان یافت و عراق هفت فروند موشک به سوی تهران شلیک کرد، ضمن آنکه با استفاده از هواپیماهای خود، شش شهر ایران را هدف قرار داد. در مقابل، در جنگ مرزی، این ایران بود که موفق عمل کرد و پیروزیهای چشم‌گیری را به دست آورد.

پیروزی ایران دلایل متعددی داشت مهم‌ترین آن، اینکه عراق نیروهای زبده خود را در جبهه جنوبی نگه داشته بود تا مانع از حمله نهایی ایران شوند؛ بنابراین، تنها دو لشکر در منطقه مرزی مورد حمله داشت که از توان متوسطی برخوردار بودند. نیروهای عراق از بسیاری از ارتفاعات و قله‌های صعب‌العبور منطقه عقب‌نشینی و نیروهای خود را برای محافظت از شهرهای مرزی متمرکز کردند. آنها که از مناطق کوهستانی صرف نظر کرده بودند، این امکان را برای نیروهای مهاجم پدید آوردند تا از اطراف به این مناطق حمله کنند. در واقع، عراق باید از آغاز، نیروهای خود را خارج از این منطقه نگه می‌داشت و سپس، آنها را به سوی نیروهای ایرانی هدایت می‌کرد. همچنین، این امکان وجود داشت که نیروهای عراقی در پشت خطوط ارتباطی خود از سوی کردها با مشکل روبه‌رو شوند.

نتیجه پایانی اشتباهات مزبور این بود که عراق قسمت عمده لشکر ۴۳ خود - بین ۱۵۰۰ تا ۴۰۰۰ نفر - و تعداد زیادی تانک، وسایل نقلیه زرهی، توپخانه، وسایل نقلیه پشتیبانی و مهمات و قطعات یدکی بسیاری را از سپاه اول خود از دست داد. در واقع، ایران همانند نبرد فاو در سال ۱۹۸۶، دریافت که با تصرف مواضع عراق می‌تواند به تدارکات درخور توجهی دست یابد.

البته، نبرد حلبچه و دوجیله از یک درگیری مرزی فزاینده‌تر بود؛ چرا که ایران به رغم ادعاهای عراق، شهر حلبچه را به تصرف خود درآورد و بلافاصله، صحنه‌هایی از کشتار چهارهزار نفر غیرنظامی را از طریق تلویزیون پخش کرد که با استفاده از گاز خردل یا مواد شیمیایی دیگری مانند گاز اعصاب فسوژن و سیانید کشته شده بودند.^{۳۰} در واقع، استفاده گسترده عراق از گازهای شیمیایی کاملاً مشهود بود، ... بدین ترتیب، هر دو کشور سطح جدیدی از درگیری را آغاز کردند.^{۳۱}

هر چند عراق کوشید تا به ایران بفهماند که در صورت ادامه جنگ، شهرهای ایران نیز به سرنوشت حلبچه دچار

عراق ادعا می‌کرد برای مقابله با عملیات ایران در شمال این کشور روزانه ۲۲۴ پرواز جنگی انجام می‌دهد؛ موضوعی که نشان دهنده جدی بودن نبرد بود

کوههای ریشن را به تصرف خود درآورد و به شهر سیدصادق نزدیک تر شد. در این میان، عراق ادعا می‌کند که روزانه، ۲۲۴ پرواز جنگی انجام می‌دهد؛ موضوعی که نشان دهنده جدی بودن نبرد بود. بدین ترتیب، عراق روزانه تقریباً سه فروند از هواپیماهای خود را از دست می‌داد. البته، ایران نیز تعدادی از هواپیماهای اف-۵ باقی مانده خود را از دست داد.

طی ماههای مارس و آوریل نیز، نبرد بین دو کشور در شمال عراق ادامه یافت، اما با ادامه این منازعه، برتری عراق از نظر توان هوایی و توان آتش آشکارتر شد. بدین ترتیب، این کشور توانست خطوط دفاعی خود را بازسازی کند و به تدریج، نیروهای ایران را به عقب براند. هر چند امکان آن نیست که میزان استفاده عراق از گازهای سمی را برآورد کنیم، اما وضعیت این کشور در جبهه شمالی و مرکزی طی نخستین هفته ماه آوریل امن تر و مستحکم تر شده بود. در این حمله نیز، درست مانند حملات قبل، ایران از فناوری و توان آتش لازم برای تداوم پیشروی خود و بهره‌گیری از اشتباهات تاکتیکی عراق برخوردار نبود.^{۱۳۳}

در واکنش نسبت به حمله ایران، عراق به حملات موشکی اقدام و در ۲۲ ماه مارس، اعلام کرد که ۱۰۶ فروند موشک به سوی شهرهای مختلف ایران پرتاب کرده است. روی هم رفته عراق روزانه، ده فروند موشک به سوی اهداف ایرانی شلیک می‌کرد. در ۲۷ ماه مارس ۱۹۸۸ ایران ادعا کرد که عراق استفاده از یک نوع موشک جدید و سنگین تر را آغاز کرده است؛ موضوعی که باعث شد تا بررسیها و پیگیریهای جدیدی درباره استفاده احتمالی عراق از موشک اس-اس ۱۲ صورت بگیرد. هر چند احتمال آن نیز وجود داشت که موشک مورد ادعای ایران یک فروند موشک سنگین هوا به زمین باشد که از هواپیماهای بمب افکن توپولف ۱۶-عراقی ساخت شوروی شلیک شده است. عراق شهر قم را نیز موشک باران کرد و

خواهند شد، اما نتوانست ایران را متقاعد کند. [امام خمینی] در ۲۰ ماه مارس، طی یک سخنرانی از مردم خواست تا برای رسیدن به پیروزی نهایی بکوشند. دقیقاً در همان روز، ایران ادعا کرد که سیزده فروند موشک به سوی عراق شلیک کرده است. با اطمینان می‌توان گفت عراق برای هشدار دادن به کردها از گازهای شیمیایی استفاده کرد؛ زیرا، آنها کنترل عراق بر شمال شرق کشور را به خطر انداخته بودند. به عبارت دیگر، عراق این حمله خونبار را برای کنترل یا نابود کردن شهرهای گردنشین که از شورشیان گُرد حمایت کرده بودند، ترتیب داد، اما با وجود این، نیروهای گُرد به موفقیت‌های زیادی دست یافته بودند. آنها در ماه سپتامبر، توانستند شهر کانی ماسی واقع در مرز عراق و ترکیه را به تصرف خود در آورند. ترکیبی از نیروهای ایرانی و گُرد نیز حدود ۱۶۰ کیلومتر مربع از خاک عراق را در شمال شرق کرکوک و نزدیکی ماووت در کنترل خود داشتند که ۲۹ ارتفاع و ۶ روستا را در دو سوی رودخانه شامل می‌شد.

نیروهای گُرد همچنین، شهر مرزی دیرلوک را در ماه ژانویه سال ۱۹۸۸ تصرف کردند و سپس، به قرارگاه عراقی ساری راش^(۱) در شمال شرق اربیل حمله کردند. رفت و آمد به شهر رواندوز ناامن شده بود و تعداد حملات، کمینها و ترورها در شمال شرق عراق به شدت افزایش یافته بود. اتحادیه میهنی کردستان به رهبری جلال طالبانی برای نخستین بار همکاری خود را با حزب دموکرات کردستان به رهبری مسعود بارزانی آغاز کرد. به نظر می‌رسید، اتحاد بین این دو گروه نتیجه مذاکراتی بود که رفسنجانی در اواخر سال ۱۹۸۷ در ایران ترتیب داد.^{۱۳۳} هر چند عراق هنوز می‌توانست امنیت قسمت اعظم این منطقه را با استفاده از نیروهای امنیتی گُردی که هنوز طرفدار دولت بودند، تأمین کند، اما پیش از آغاز حمله جدید ایران، باید برخی از سربازان و نیروهای شبه نظامی خود را به منطقه شمال کشور می‌فرستاد و پایگاههای تأمین را در طول جاده‌های اصلی برپا و مسیرهای نفوذ شورشیان گُرد را مین‌گذاری می‌کرد.

به رغم استفاده عراق از گازهای شیمیایی، ایران حملات تهاجمی خود را در شمال شرق سیدصادق ادامه داد. در مقابل، عراق حدود ۷۲۰۰ نفر (چهار گردان) از سپاه هفتم خود را از جنوب به منطقه شمال شرق اعزام کرد و در صدد پاسخ برآمد، اما با بیش از ۳۰ هزار تن از مهاجمان ایرانی روبه‌رو شد. ایران سپس، حدود ۱۶ کیلومتر مربع از

(1) Sari Rash

چهار شهر دیگر ایران را هدف حمله هوایی قرار داد. هر چند پروازهای مزبور هنوز نیز چندان مؤثر نبودند و تنها حدود ۱۸ درصد از آنها هدف خود را مورد اصابت قرار می‌دادند، اما عراق با هدف قرار دادن ۳۷ شهر ایران به این کشور فرصت نداد تا خرابیهای ناشی از حملات هوایی به پالایشگاهها و مراکز پخش مواد نفتی را بازسازی کند.^{۱۳۴}

عراق در جبهه زمینی نیز از حالت دفاعی خارج شد و با استفاده از نیروهای سازمان مجاهدین خلق، در ۲۲ کیلومتری شوش حملات جدیدی را آغاز کرد و هم‌زمان با این حملات، بازسازی نیروهایش را در جنوب از سر گرفت. در آغاز، به نظر می‌رسید که منظور از این بازسازی تقویت مواضع دفاعی عراق باشد، در حالی که آنها را برای تهاجم آماده می‌کرد. هر چند هواپیماهای ایران در اقدام گسترده تری، در ۲۶ ماه مارس سال ۱۹۸۸، مراکز تجمع نیروهای عراقی را در جنوب بصره در هم کوبیدند، اما به نظر نمی‌رسید که ایران خطر حمله متقابل عراق را جدی گرفته باشد، در حالی که عراق سپاه هفتم خود را به شدت

دیگر نیروهای عراقی نیز حملات آبی خاکی خود را از سمت غرب شبه جزیره و بندر ام‌القصر آغاز کردند. عراق طبق ادعای نیروی هوایی این کشور با ۳۱۸ جنگنده و کشتیهای توپدار در روز نخست حمله از نیروهای عمل کننده پشتیبانی کرد. بدین ترتیب، عراق به پیشرویهای چشم‌گیری دست یافت، طوری که نیروهای ایران از هم گسیخته شدند و به نظر نمی‌رسد که مجدداً، در همان روز سازمان دهی شده باشند. در ۱۸ ماه آوریل، ایران کویت را متهم کرد که به عراق اجازه داده از جزیره بویان برای حمله علیه مواضع نیروهای ایران استفاده شود و ادعا کرد که بالگردهای برخاسته از کشتیهای جنگی امریکا از نیروهای عراقی حمایت کرده‌اند.^{۱۳۵} [...]

در این زمان، جنگ خلیج فارس نیز مجدداً اوج گرفت. در ۵ ماه آوریل گروهی از طرفداران ایران هواپیمای بی-۷۴۷ خطوط هوایی کویت را که از بانکوک به مقصد این کشور در حرکت بود. با استفاده از ضعف سیستم امنیتی فرودگاه بانکوک ربودند و کنترل هواپیما و بیش از یکصد نفر مسافر آن را در دست گرفتند. هدف آنها از این اقدام،

انفجار ناشی از برخورد مین به ناوچه آمریکایی ساموئل رابرتز، نه تنها حفره عمیقی را در کشتی ایجاد کرد، بلکه کف کشتی را نیز شکاند؛ موتورهای کشتی را از جا کند و قطعاتی از آن را بیش از ۴۵ متر به هوا پرتاب کرد

تقویت و قسمت عمده نیروهای گارد ریاست جمهوری خود را جابه‌جا کرده و مقادیر عظیمی از آتشبارهای توپخانه و سلاحهای شیمیایی را در این منطقه استقرار داده بود در ۱۷ ماه آوریل، حمله به فاو را آغاز کرد.

این بار برتری تاکتیکی عراق تعجب برانگیز بود. البته، نیروهای ایرانی مستقر در فاو از توان کافی برخوردار نبودند و نیروهای داوطلب مردمی کمتری در این جبهه حضور داشتند، ضمن آنکه واکنش آنها بسیار کند بود؛ بنابراین، عراق به سرعت نتایج چشم‌گیری به دست آورد و با استفاده از خشکی زمین و اوضاع جوی مساعد، خود را برای حمله شبانه آماده و ساعت ۰۵:۰۰ صبح پیشروی خود را آغاز کرد. نیروهای سپاه هفتم این کشور تحت فرماندهی ژنرال ماهر عبدالرشید در ساحل شط العرب به سمت جنوب پیشروی کردند و نیروهای گارد ریاست جمهوری نیز از مواضع خود بین زبیر و ام‌القصر به سوی مردابها و نزارها و دریاچه بزرگ نمک در غرب فاو به حرکت در آمدند. هم‌زمان،

آزادی هفده تن از زندانیان طرفدار ایران در کویت بود که کویت آنها را دست‌گیر کرده بود. آنها بلافاصله خواستند که این ۱۷ نفر از زندان آزاد شوند. کویت این افراد را به خرابکاری و یک سلسله قتل و هواپیما ربایی از تهران به لارنکا در قبرس و در نهایت، به الجزایر و ایجاد ترس و وحشت متهم کرده بود. ادعا شده است زمانی که هواپیما در تهران بود، ایران به هواپیماربایان دیگری نیز اجازه داده تا سوار این هواپیما بشوند. همچنین، احتمال آن می‌رود که ایران افزون بر سلاحهای کمتری استفاده شده برای ربودن هواپیما، مقادیری نارنجک و مسلسل در اختیار هواپیما ربایان قرار داده است. در هر حال، به زودی مشخص شد که هواپیماربایان تعلیمات پیشرفته دیده‌اند؛ زیرا، دانش تخصصی خود را در زمینه ساختار و جزئیات فنی هواپیما بروز دادند.^{۱۳۶}

اما در روز پنج‌شنبه ۱۳ ماه آوریل سال ۱۹۸۸، قایقهای کوچک تندرو طی اقدامی جدی، حوزه جدیدی را در

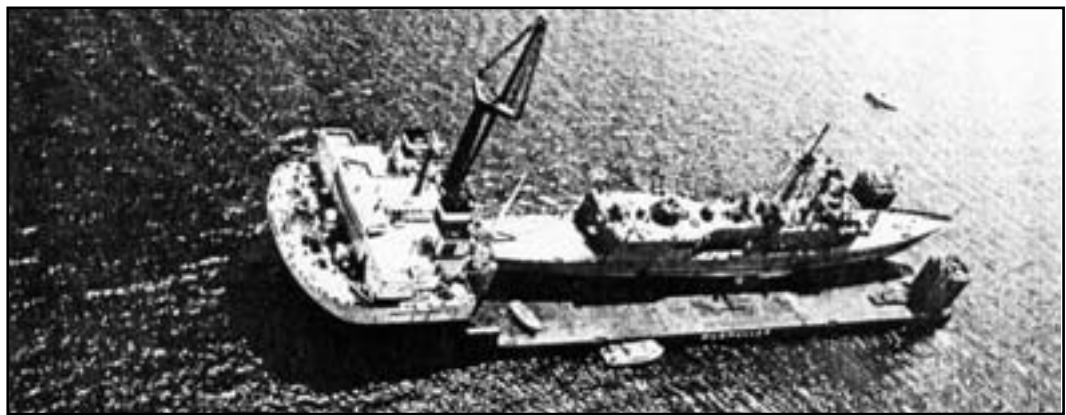
تمامی این موفقیت از درسهای برگرفته از ناوچه استارک ناشی می‌شد. خلیج فارس به هنگام این انفجار در آرامش کامل قرار داشت و تمامی تجهیزات اجرای آتش نیز در حالت عملیاتی بودند.

امریکا به زودی به شواهدی دست یافت که نشان می‌دادند ایران این مینها را در مسیر تردد ناوگان اسکورت قرار داده است. امریکا همچنین، بسیاری از مینها را یافت و خنثی کرد. غواصان امریکایی با بررسی این مینها آنها را گونه‌ای از مینهای MOB شوروی تشخیص دادند که در ایران ساخته شده بودند. همچنین، شواهد کاملاً آشکاری نیز وجود داشت که نشان می‌داد این مینها به تازگی کاشته شده‌اند.^{۱۳۹}

در ۱۴ ماه آوریل، هیئت طرح ریزی امنیت ملی^(۱) در کاخ سفید تشکیل جلسه داد و چندین گزینه مختلف را بررسی کرد. این هیئت سرانجام، تصمیم گرفت که به سه سکوی

خلیج فارس مین گذاری کردند و روز بعد، ناوچه امریکایی ساموئل بی رابرتز^(۱) پس از تکمیل بیست و پنجمین عملیات اسکورت نفت کشتها در سال ۱۹۸۸ در راه بازگشت خود به بحرین، به یکی از مینهای موجود در خلیج فارس برخورد کرد.^{۱۳۷} ناوچه رابرتز یکی از ۲۵ فروند کشتی امریکایی بود که هنوز در خلیج فارس فعال بودند. انفجار این مین باعث شد تا ۴/۵ متر از بدنه آن کنده و حفره عظیمی به اندازه ۶/۷ متر در آن ایجاد شود، ده ملوان امریکایی مجروح شدند و موتور این کشتی را آب فرا گرفت.^{۱۳۸}

این حمله نیز همانند حمله به کشتی امریکایی استارک اهمیت توانایی پیشرفته کنترل نبرد و آتش را نشان داد. این انفجار، نه تنها حفره عمیقی را در کشتی ایجاد کرد بلکه، کف کشتی را نیز شکاند؛ موتورهای کشتی را از جا کند و قطعاتی از آن را بیش از ۴۵ متر به هوا پرتاب کرد. بدین ترتیب، لوله‌های سوخت ترکیبند و آتش عظیمی شعله ور



نفتی ایران در خلیج فارس که سپاه پاسداران از آنها استفاده می‌کرد، حمله کند. علت انتخاب این گزینه آن بود که از حمله به اهداف زمینی ایران خودداری می‌شد، ضمن آنکه این سکوا از منطقه جنگی شمال خلیج فارس دور بود و به ایران نشان می‌داد که زمینه صادرات نفتش بسیار آسیب پذیر است. ریگان در همان روز پیش نویس این طرح را پذیرفت و سپس، در جلسه ۲۰:۳۰ روز ۱۷ ماه آوریل با طرح پیشنهادی حمله موافقت کرد و ساعت ۰۹:۰۰ صبح روز ۱۸ ماه آوریل آن را به اطلاع سران کنگره رساند. در این میان، باید یادآور شد که امریکا از قصد عراق مبنی بر حمله به شبه جزیره فاو در همان روز بی اطلاع بود.

امریکا، صبح زود، با استفاده از هواپیماهایی که از روی ناو هواپیمابر برمی‌خاستند پوشش هوایی گسترده‌ای را روی خلیج فارس ایجاد کرد. در این پوشش هوایی، که از

شد. البته، این انفجار هیچ‌گونه تلفات جانی‌ای در بر نداشت؛ زیرا، موتورخانه به طور خودکار کار می‌کرد و هیچ خدمه‌ای در آنجا حضور نداشت. با این حال، خدمه کشتی با مشکلات متعددی روبه‌رو شدند؛ چرا که باید تسمه‌های فولادی را به دور کشتی می‌بستند تا مانع از در هم شکستن آن می‌شدند، و با استفاده از الوار از نفوذ آب به داخل کشتی جلوگیری می‌کردند. بدین ترتیب، صفحه‌های فولادی روی شکافهای عرشه قرار داده شدند. نکته درخور توجه آنکه به دلیل محاصره شدن کشتی در میدان مین ارائه کمک به آن مشکل بود. البته، از آنجا که این کشتی نسبت به کشتی استارک مزیت‌هایی داشت و خدمه آن کاملاً برای موقعیت جنگی آموزش دیده بودند، نجات یافت. باید یادآور شد که کشتی مزبور پیش از اعزام به خلیج فارس برنده جایزه بهترین اجرا در زمینه کنترل خسارات پیشرفته شده بود و

(1) Samuel B. Roberts
(2) National Security Planing group (NSPG)

پانزده کیلومتری کشتیهای امریکایی مستقر در اطراف سکوی نفتی نصر نزدیک شد و کشتی وین رایت در ساعت ۱۳:۱۵ به این کشتی ایرانی هشدار داد که در مسیر بی خطری قرار بگیرد یا به محدوده آتش آنها وارد شود. ناوچه جوشن پس از دریافت این هشدار، موشکی را به سوی کشتی وین رایت شلیک کرد که به نظر می رسید موشک سی کت باشد. در پاسخ به این حمله، کشتی وین رایت نیز به پرتاب چف یا مواد مختل کننده^(۱۱) اقدام کرد و چند لحظه بعد، کشتیهای امریکایی با پرتاب چهار فروند موشک پاسخ محکم تری به ناوچه جوشن دادند و آن را غرق کردند. سپس، در ساعت ۱۳:۵۲ کشتی وین رایت دو فروند موشک به سوی دو هواپیمای اف-۴ ایران که در حال نزدیک شدن به سوی این کشتی بودند، شلیک کرد. احتمالاً، یکی از هواپیمای ایران در پی اصابت موشک پرتاب شده از سوی وین رایت آسیب دید. سپس، نیروهای ایرانی که در قایق تندرو بوگهامر^(۱۲) مستقر بودند، با یک فروند بالگرد امریکایی که از عرشه کشتی سیمپسون برخاسته بود، درگیر شدند. البته، هواپیمای دیگر ایران شامل یک فروند هواپیمای P-3 و یک فروند هواپیمای C-130 که آن روز در منطقه حضور داشتند، هیچ گونه اقدام تهاجمی ای از خود نشان ندادند. در پی حملات ایران در این روز، امریکا از حمله خود به سکوی نفتی سوم منصرف شد؛ زیرا، آشکار بود که تداوم این حملات به افزایش دامنه نبرد دریایی می انجامید که امریکا تمایلی بدان نداشت، اما ایران کوشید تا با اقدامات خود در بعد از ظهر همان روز شدت درگیری را افزایش دهد. ساعت ۱۲:۱۵ سه قایق تندرو ایران به سوی یدک کش امریکایی ویلی تايد^(۱۳) که یک قایق تدارکاتی ثبت شده در امریکا بود، آتش گشودند. سپس، یک فروند کشتی ایرانی به کشتی ۱۱۳ هزار تنی یورک مارین^(۱۴) که حامل

ناو هواپیمابر انتر پرایز^(۱۵) هدایت می شد، از هواپیمای هاوک آیز (E-2C)^(۱۶) و هواپیمای گشت E-3A و هواپیمای جنگنده اف-۱۴ استفاده شده بود. هواپیمای E-3A افزون بر ایفای نقش هشدار دهنده از مسافتهای دور، حملات هواپیمای A-6E را نیز که به موشکهای هارپون، سلاحهای لیزری و بمبهای خوشه ای راک آئی^(۱۷) مسلح بودند، همراهی می کردند. هواپیمای A-7E نیز در حالت آماده باش به سر می بردند. در ساعت ۰۹:۱۰ صبح روز ۱۸ ماه آوریل، امریکا به سکوی نفتی ساسان هشدار چند دقیقه ای داد که در پی آن، بیست تا چهل نفر از افرادی که روی این سکو بودند، آن را ترک کردند، ضمن آنکه چهار قبضه ضد هوایی ZSU-23 و چندین موشک زمین به هوای SA-7 روی آن باقی ماند. در ساعت ۰۹:۱۷ صبح، امریکا این سکو را هدف گلوله های توپ قرار داد و سپس، با استفاده از مواد منفجره آن را منهدم کرد. در این حمله، امریکا سه فروند از کشتیهای خود را با نامهای مریل^(۱۸)، ترنتون^(۱۹) و لیندا مک کورمیک^(۲۰) به کار گرفت. ترنتون یک کشتی آبی خاکی بود که یک واحد دریایی چهارصد نفره را به همراه بالگردهای CH-۶۴ و AH-1T و UH-1N حمل می کرد و بخشی از نیروی ویژه هوایی، دریایی و زمینی^(۲۱) بود. تفنگداران نیروی دریایی امریکا در ساعت ۱۰:۳۹ در این سکو پیاده شدند و تأسیسات باقی مانده آن را نیز منفجر کردند.^(۲۲)

در ساعت ۰۹:۳۳، سه فروند کشتی دیگر به نامهای سیمپسون^(۲۳)، بگلی^(۲۴)، و وین رایت^(۲۵) نیز به سکوی نفتی نصر در آبهای ساحلی جزیره سیری هشدار دادند، اما نیروهای ایران به پرتاب گلوله های ضد هوایی ZSU-23-4 به سمت کشتیهای امریکایی اقدام کردند. در مقابل، کشتی وین رایت نیز با پرتاب چند گلوله نیروهای ایرانی را به ترک سکو واداشتند. بعد از آن، کشتیهای امریکایی تا ساعت

در واکنش به حملات موشکی عراق به تهران، ایران ۱۶ فروند موشک اسکاد را به سوی عراق شلیک کرد که هدف ۱۲ فروند از آنها بغداد بود

پرچم انگلستان بود، حمله کرد و در ساعت ۱۴:۲۶، سکوی نفتی اسکن بی^(۲۶) را در حوزه نفتی مبارک در ۲۵ کیلومتری ساحل ابوظبی که در اختیار امریکا بود، هدف قرار داد.^(۲۷) در ساعت ۱۴:۲۳، جت های آ-۶ امریکا به سوی سه فروند قایق تندروی بوگهامر ایران که به سکوی نفتی مبارک حمله

۱۰:۲۵ صبح سکوی نفتی نصر را گلوله باران و منهدم کردند. باید یادآور شد که دو سکوی نفتی مزبور تقریباً ۱۶۰ کیلومتر با هم فاصله داشتند.^(۲۸) کشتی نیروی دریایی ایران به نام جوشن، که حامل موشکهای هارپون و سی کت^(۲۹) بود، در ساعت ۱۳:۱۰ به

(1) Enterprise (2) Hawkeyes (3) Rokeye
(7) Contingency Marine Air Ground Task Force (cm) 2-88
(11) Sea Cat (12) Chaff (13) Boghamimar

(4) Merrill (5) Trenton (6) Lynde Mc Cormick
(8) Simpson (9) Bagley (10) Wain Wright
(14) Willi Tide (15) York Marine (16) Scon Bay

ناوچه سهند تا ساعت ۱۷:۰۶، در داخل آب شعله‌ور بود و شب هنگام غرق شد.

در ساعت ۱۸:۱۸، ناوچه ایرانی سبلان دو فروند موشک به سوی ناوچه آمریکایی جک ویلیامز^(۴) و هواپیماهای تهاجمی جت آمریکایی حاضر در منطقه پرتاب کرد، اما هیچ یک از آنها به هدف اصابت نکردند. سپس، یک

کرده بودند، آتش گشودند. از سلسله مراتب فرماندهی در این حمله می‌توان درس مهمی را در مورد اهمیت ارتباطات ماهواره‌ای گرفت. جتهای آ-۶ موضوع را به ناو هواپیمابر انترپرایز مخابره کردند، ناو نیز موضوع را به فرمانده نیروی ویژه آمریکا در خاورمیانه در خلیج فارس مخابره نمود، وی نیز به نوبه خود، با فرمانده یواس سنتکام در شهر تامپا^(۱)،

به ادعای مقامات آمریکایی، اقدامات ایران در خلیج فارس و تمایل این کشور به درگیر شدن کشتیهایش، احتمالاً به آغاز جنگ شهرها از سوی عراق، متوقف شدن حملات تهاجمی ایران در کردستان عراق و استفاده روز افزون عراق از گازهای شیمیایی مربوط بود

فروند هواپیمای آ-۶ آمریکایی با استفاده از بمبهای هدایت شونده لیزری آن را هدف قرارداد و آسیب شدیدی به آن وارد آورد. وزیر دفاع آمریکا، فرانک کارلوجی، مانع از حملات بیشتر به این ناوچه شد و آمریکا در ساعت ۲۰:۰۰ اجازه داد تا این ناوچه با دو فروند یدک کش به بندر عباس منتقل شود. هنگامی که آرامش مجدد به منطقه بازگشت، آمریکا دریافت که به پیروزی بزرگی دست یافته است و در این میان، تنها یک فروند بالگرد تهاجمی کبری را که از عرشه کشتی ترنتون برخاسته بود، از دست داده و دو نفر سرنشینان بالگرد در اثر سانحه‌ای ناپدید شده‌اند. روز بعد، خلیج فارس نسبتاً آرام بود، و تنها یک فروند موشک کرم ابریشم به صحرای کویت پرتاب شد.

سلاحها و اقدامات متقابل آمریکا خوب عمل کردند، این در حالی است که در مورد حوادث رخ داده در زمان تبادل موشکها بین ایران و آمریکا اطمینان چندانی وجود ندارد. ناوچه جک ویلیامز گزارش داد که هدف پنج فروند موشک کرم ابریشم قرار گرفته است که در برابر آنها، اقدامات پدافندی لازم را به عمل آورده و در هر بار، پس از شلیک موشک، پوشش اقدامات ضد الکترونیک^(۵) خود را آماده کرده است.^(۳) مقامات عالی رتبه وزارت دفاع آمریکا نیز، تنها اعلام کردند که هیچ‌گونه شواهدی مبنی بر پرتاب موشکهای کرم ابریشم در دست ندارند. شاهدانی از جمله خبرنگاران مطبوعات هر پنج موشک را دیده بودند، اما تأیید پرتاب آنها از پایگاههای سیار این موشکها در نزدیکی تنگه هرمز امکان پذیر نبود.

انگیزه‌های ایران برای درگیر شدن با نیروی دریایی آمریکا را که به از دست رفتن نیمی از کشتیهای عملیاتی آن

فلوریدا ارتباط برقرار کرد، فرمانده سنتکام نیز با وزیر دفاع و ستاد مشترک در مرکز فرماندهی ارتش ملی آمریکا در پنتاگون تماس گرفت، رئیس ستاد مشترک نیز موضوع را به اطلاع مشاور رئیس جمهور در امور امنیت ملی رساند و وی نیز از رئیس جمهور اجازه حمله به این شناورها را دریافت کرد. جتهای آ-۶ پس از دریافت تأیید رئیس جمهور با استفاده از بمبهای لیزری به این قایقها حمله کردند. در این حملات، یکی از قایقها غرق شد، دیگری از کار افتاد و معلوم نشد که بر سر قایق سوم چه آمد. تمامی مراتب فرماندهی از درخواست جتهای آ-۶ تا تأیید رئیس جمهور با استفاده از ارتباطات ایمن جهانی و در مدت زمانی نزدیک به زمان مکالمات عادی طی شد و بدین ترتیب، خبر تأیید حمله از سوی رئیس جمهور در کمتر از سه دقیقه به خلبان جت آ-۶ رسید.

سپس، آمریکا با استفاده از ارتباطات رهگیری پی برد که دو فروند ناوچه ایران دستور حمله به نیروهای آمریکایی را داده‌اند. در این میان، ناوچه‌های آمریکا همچنان، در حال نزدیک شدن به نیروهای خودشان بودند. ساعت ۱۵:۵۹ به آنها اخطار داده شد که از منطقه دور شوند. در ساعت ۱۶:۰۰، ناوچه سهند ایران که قبلاً نیز بارها به کشتیهای تجاری حمله کرده بود، در جزیره قشم در تنگه هرمز ظاهر شد. این ناوچه ایرانی در ساعت ۱۶:۲۱ عصر به سوی سه فروند جنگنده آ-۶ آمریکا و کشتیهای آمریکایی حاضر در آن منطقه آتش گشود. هواپیماهای آمریکایی نیز بین ساعت ۱۶:۳۴ و ۱۶:۴۳، بمبهای هدایت شونده لیزری اسکیرپ^(۲) و ناوچه آمریکایی استراوس^(۳) نیز یک فروند موشک هارپون به سوی ناوچه سهند شلیک کردند.^(۳) در پی این حمله،

(1) Tampa

(2) Skipper2

(3) Strauss

(4) Jack Williams

(5) ECM

منجر شد، تنها می‌توان حدس زد. اکنون، نمی‌توان پی برد که آیا واقعاً، این عملیات مین‌ریزی مورد تأیید دولت ایران بوده است یا نه؟

در خلیج فارس، آمریکا همچنان تا ۲۲ ماه آوریل، مینهای بیشتری را کشف کرد. اقدامات ایران در خلیج فارس و تمایل این کشور به درگیر شدن کشتیه‌هایش احتمالاً، به آغاز جنگ شهرها از سوی عراق، متوقف شدن حملات تهاجمی ایران در کردستان عراق و استفاده روزافزون عراق از گازهای شیمیایی مربوط بود؛ اقداماتی که باعث شد تا رهبران ایران موضع سخت‌تری را در قبال ادامه جنگ اتخاذ کنند. در نخستین دور انتخابات مجلس سوم در ۸ ماه آوریل سال ۱۹۸۸، طرفداران [امام] خمینی اکثریت کرسیهای مجلس را در اختیار گرفتند. این انتخابات موقعیت رفسنجانی و موسوی را تقویت نمود و چهره‌های تندرو جدیدی در این مجلس ظهور کردند.^{۱۳۵}

باید یادآور شد که در این دوران، برداشت ایران از ماهیت قدرت هوایی و دریایی آمریکا اشتباه بود و فرماندهان بدون ارزیابی کامل موقعیت، دستورات اضطراری مشخصی را اجرا می‌کردند. البته، واکنشهای ایران احتمالاً، به دلیل شکست در فاو و تبانی عراق و آمریکا بود. شاید ایران می‌خواست با این اقدامات مانع از موافقت شوروی با هرگونه تحریم تسلیحاتی شود، حس همدردی را در میان کشورهای جهان سوم، برانگیزد یا امیدوار بود که با حمله موفقیت‌آمیزی خسارت عمده‌ای را به نیروهای آمریکایی تحمیل کند و با ایجاد درگیری نسبتاً گسترده‌ای اجرای قانون اختیارات زمان جنگ در آمریکا را باعث شود.^{۱۳۶}

اگر فرض کنیم که ایران هدفهای مزبور را دنبال می‌کرد، باید یادآور شویم که به سرعت به اشتباه خود پی برد؛ چرا که کنگره از عملکرد رئیس‌جمهور در سراسر دنیا حمایت کرد. واکنش و مخالفت عمده کنگره در زمینه قانون اختیارات زمان جنگ از سوی برخی از اعضای دموکرات سنا صورت گرفت. آنها پیشنهاد کردند که این قانون باید تغییر و اصلاح شود تا شروط عقب‌نشینی خود به خودی نیروهای آمریکا حذف و قانونی به تصویب برسد که هرگونه انگیزه برای تهدید یا تصاعد جنگ را از بین ببرد و اجماع نظر واقعی برای اقدامات آمریکا پدید آید، آن هم بدون اینکه اختیارات رئیس‌جمهور محدود شود.

هرچند مطبوعات شوروی اقدامات آمریکا را در خلیج فارس محکوم کردند و از آن به منزله راهزنی مسلحانه نام بردند، اما ملت‌های اروپای غربی از آمریکا

حمایت کردند و خواستار توقف حملات ایران به کشتیه‌ها شدند. برای نمونه، تاچر، نخست‌وزیر انگلستان، این حملات را کاملاً منصفانه نامید و به دنبال آن، کشورهای اروپایی پس از برگزاری نشستی در چهارچوب اتحادیه اروپای غربی و مشورت با یکدیگر حمایت خود را از اقدامات آمریکا اعلام کردند و مین‌روهای خود را نیز به منطقه فرستادند تا در محل‌های مین‌ریزی شده به کمک آمریکا بشتابند. هنگامی که آمریکا آغاز عملیات جنگی در منطقه را به اطلاع کشورهای بلژیک، انگلستان، فرانسه، ایتالیا و هلند رساند، کشورهای اروپایی خود را عقب کشیدند. منطقه آلوده بود و آمریکا نه مین تازه کار گذاشته شده را روز بعد کشف کرد.^{۱۳۷}

واکنش کشورهای منطقه در مقابل حملات آمریکا بسیار متفاوت و گوناگون بود. [آیت‌الله] رفسنجانی در ۱۹ ماه آوریل گفت: «زمان دیگر به نفع ما نیست. جهان - منظورم قدرتهای ضداسلامی - تصمیم دارند صدام حسین را نجات دهند و دستهای ما را ببندند». دولت‌های منطقه خلیج فارس نیز از عدم حمایت آمریکا از تمامی کشتیه‌های تجاری و تأسیسات نفتی ابراز نگرانی کردند. آمریکا نیز در ۲۱ ماه آوریل اعلام کرد که در هر نقطه و هر زمانی که بخواهد به کمک کشتیه‌ها یا اهدافی که هدف حمله قرار می‌گیرند، خواهد آمد و به ایران نیز هشدار داد که هیچ‌یک از مراکز و تأسیساتش در برابر حمله آمریکا ایمن نیستند.

تا ۲۱ ماه آوریل، جنگ دریایی در خلیج فارس نیز همانند جنگ زمینی غیرقابل پیش‌بینی بود. طبق آمار، کشتیه‌های غربی بیش از سیزده عدد مین تازه کار گذاشته شده را کشف کرده بودند، ایران از آغاز سال ۱۹۸۸، ۳۱ و عراق ۲۰ فروند نفت‌کش را هدف قرار داده بودند؛ در طی سال ۱۹۸۷، تعداد حملات ایران ۹۲ مورد و تعداد حملات عراق ۸۷ مورد بود و تعداد کشتیه‌های آمریکایی حاضر در منطقه نیز به سی فروند می‌رسید که ناو هواپیمابر انترپرایز نیز جزء آنها بود.

بحران موشک‌های دوربرد عربستان سعودی

شاید مناسب باشد که در پایان این بررسی، یادآوری شود که تصاعد جنگ ایران و عراق با بحران دیگری در روابط آمریکا و عربستان همراه بود. عربستان در ۶ ماه مارس سال ۱۹۸۱ تأیید کرد که موشک‌های دوربرد سطح به سطح CSS-2، یا دانگ‌فنگ^(۱) را از جمهوری خلق چین خریداری کرده است. برد این موشکها ۳۰۰۰ تا ۳۵۰۰ کیلومتر، دقت آنها

(1) Dong Feng

نگران از دست دادن نیروی هوایی خود باشد. همچنین، این موشکها بیشتر از کارآیی محدود نظامی شان، ارزش نمادین در منطقه داشتند، ضمن آنکه وجود آنها، صرف نظر از مقاصد اولیه و اقدامات بلندمدت عربستان، موضوع خطر گسترش سلاحهای هسته‌ای را نیز مطرح می‌کرد.

فهد طی نامه‌ای به ریگان در ۱۲ ماه مارس سال ۱۹۸۷ اظهار کرد این موشکها فاقد کلاهکهای هسته‌ای اند و عربستان منظور خاصی از خرید آنها ندارد. هر چند کلاهک این گونه‌های فروخته شده به عربستان کوچک‌تر از آن بودند که بتوانند سلاح متعارف مؤثری قلمداد شوند و دقت آنها نیز بسیار ضعیف بود، با همه اینها، باز هم مایه نگرانی شدیدی بودند. البته، عربستان به طور ضمنی اعلام کرده بود که به علت افزایش سلاحهای دوربرد مشابه در منطقه به خرید این موشکها اقدام کرده است. برای بسیاری از ناظران



معلوم نبود که چرا این موشکها ارزشی بیشتر از ارزش نمادین دارد یا چرا می‌توانند کاربردی فراتر از یک سلاح فاقد کلاهک شیمیایی، بیولوژیکی، یا هسته‌ای داشته باشند. در ۲۰ ماه مارس، مقامات ارشد اسرائیل نگرانی خود را از این موضوع اعلام کردند. در ضمن، خطر حملات پیش‌گیرانه خود از جمله حمله به راکتور اوسیراک^(۱) عراق را یادآور شدند. طبق برخی از گزارشها، خلبانان اسرائیلی برای چنین مأموریتهایی آموزش می‌دیدند و جنگنده‌های این کشور پیوسته با شکستن حریم هوایی تبوک و حتی فرودهای لحظه‌ای روی باند فرودگاه تبوک در پی نمایش برتری هوایی اسرائیل بودند. این فشارهای اسرائیل باعث شد تا عربستان اجازه بازرسی مخفیانه از این موشکها را به امریکا بدهد و اسرائیل را از غیرمتعارف بودن آنها مطمئن کند. هر چند واقعیت‌های این موضوع همچنان پوشیده است، اما به نظر می‌رسد که امریکا این پیشنهاد عربستان را پذیرفت.^{۱۴۹}

نتیجه‌نهایی این امر در داخل امریکا این بود که بحث‌های

حدود دو کیلومتر با فرض نهایت دقت و اعتبار موشک بود و به هر هدفی در خاورمیانه و از جمله اسرائیل دسترسی داشتند، البته، کاملاً دقیق و مطمئن نبودند و وزن کلاهک آنها، تنها در حدود ۷۵۰ کیلوگرم بود.^{۱۴۸}

در جولای سال ۱۹۸۵، دولت عربستان که مذاکرات مربوط به سیستم این موشکها را آغاز کرده بود، برای نخستین بار پی برد که هرگز نمی‌تواند از حمایت امریکا برای تجهیز و به روز کردن نیروی هوایی خود برخوردار شود. جالب اینکه شاهزاده بندر بن سلطان، سفیر عربستان در امریکا، طی سفر به پکن در مورد این معامله مذاکره کرده بود. شاید دلیل این اقدام را بتوان نامیدی وی به دلیل رد فروش هواپیماهای اف-۱۵ از سوی امریکا دانست. سرانجام، در پی سفر دو هیئت بلند پایه سعودی در ماههای جولای و نوامبر سال ۱۹۸۷ به چین، در اواخر سال ۱۹۸۷ و ماه ژانویه سال ۱۹۸۸ موشکها با کشتی به عربستان منتقل شدند.

شواهد نشان می‌داد که عربستان سعودی به اندازه کافی موشک خریداری کرده است که بتواند نیرویی با بیست فروند موشک آماده کند، هر چند طبق برخی از گزارشها تعداد موشکهای خریداری شده از شصت فروند نیز بیشتر بوده و طبق گزارشی، سعودیها مرسولات و محموله‌های نخست را پنهان و چین را وادار کرده بودند که موشکهای خریداری شده را همراه با موشکهای متعلق به عراق ارسال کند و سپس، این موشکها را با کامیون به ریح الخالی منتقل کردند. سعودیها به امریکا گفته بودند که در نظر دارند مخزن و انبار عظیمی از مهمات را تشکیل دهند و امریکا نیز هیچ‌گونه پیگیری و تجسسی در مورد این موشکها به عمل نیاورد تا اینکه مشاهده شد برخی از این موشکها به جای اینکه از بنادر عربستان به سوی عراق حمل شوند، به سمت جنوب به سوی خاک عربستان منتقل می‌شوند. طبق برخی از گزارشهای دیگر، قرار بوده است این موشکها به انبارهای زیرزمینی مستحکم و تحت حفاظت عربستان در پایگاه هوایی الخرج، حدود صد کیلومتری جنوب ریاض، منتقل شوند. شاید انگیزه اصلی عربستان از خرید این موشکها نارضایتی و ناراحتی این کشور به دلیل برخورد امریکا یا نشان دادن استقلال عملش بوده است؛ انگیزه‌ای که احتمالاً، طی سالهای ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ با جدی‌تر شدن تهدید حمله ایران، شکل گرفته بود. در مجموع، این موشکها به عربستان امکان حمله متقابل به ایران یا هر کشور دیگری را در منطقه می‌داد، بدون اینکه

(1) Osirak

اهداف ایران از درگیر شدن با امریکا در خلیج فارس عبارت بود از:

(۱) جلوگیری از موافقت شوروی با هرگونه تحریم تسلیحاتی ایران؛

(۲) برانگیختن حس همدردی با این کشور در کشورهای جهان سوم؛ و

(۳) وارد آوردن خسارت به نیروی دریایی امریکا و اجرای قانون اختیارات زمان جنگ

را نسبت به خریدهای مشابه کشورهای جهان سوم آگاه تر کند. پی بردن به اینکه کدام یک از دو کشور امریکا و عربستان از بحران فروش هواپیماهای آواکس و اف-۱۵ درس بیشتری گرفت، چندان آسان نیست.^{۱۵۱}

درسهای برگرفته از دخالت غرب در خلیج فارس

نکته‌های مختلف مهم و قابل تأکیدی وجود دارد که غرب باید از تجربه‌های سالهای ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ خود درس بگیرد. البته، بررسیها و مطالعات انجام گرفته در این مورد بسیار اندک و کلی می‌باشند و اکنون بسیار زود است که بگوییم غرب پیروز شده است.

وقایع سال ۱۹۸۷ و اوایل سال ۱۹۸۸ صحت و درستی بسیاری از نتیجه‌گیریهای این نوشته را نشان می‌دهد. این وقایع نقاط ضعف و قوت موضع غرب و دولتهای جنوب خلیج فارس را آشکار می‌کند. آنها در زمینه لزوم همکاریهایشان، نقش محوری امریکا و عربستان سعودی، لزوم وجود نیروهای دریایی و هوایی کارآمد منطقه‌ای و ارسال محموله‌های تسلیحاتی امریکا، لزوم تقویت و پشتیبانی دوردور کشورهای منطقه از سوی امریکا با هم اتفاق نظر دارند.

کاملاً واضح است که ورود عجلانۀ امریکا به خلیج فارس اشتباه بزرگی بوده و اکنون نیز کشورهای غربی باید آن قدر به حضور خود در این منطقه ادامه دهند تا در موقعیت مناسبی به طور گروهی از آنجا خارج شوند، اما آنچه آشکار است اینکه امریکا واقعاً هیچ راه دیگری نداشت، جز اینکه از این آب گل آلود ماهی بگیرد. بی‌گمان، امریکا می‌توانست در بسیاری از موارد، بهتر از این عمل کند، اما همواره، در طول تاریخ، مواردی وجود داشته که تشخیص ضرورت اقدام ممکن نبوده است. هر چند عاقبت افرادی که در اقدامات خود، عجلانۀ عمل می‌کنند، بسیار ناگوار است، اما افرادی هم که اقداماتشان بیش از اندازه کند است، عاقبت دردناکی خواهند داشت. این گفته در مورد دفاع از منافع استراتژیک بلندمدت امریکا در منطقه نیز صادق است؛ آنجا که حضور مداوم و پر قدرت در منطقه

قبلی فروش سلاح به عربستان مجدداً مطرح شد. در ۱۴ ماه آوریل سال ۱۹۸۸، ۵۸ تن از سناتورهای و ۱۵۸ تن از اعضای کنگره طی نامه‌ای به رئیس‌جمهور، توقف فروش قطعات یدکی هواپیماهای آواکس به ارزش ۴۵۰ میلیون دلار را به عربستان خواستار شدند.

به اعتقاد این ۱۵۸ عضو کنگره، بی‌گمان، خریدهای عربستان از امریکا؛ روند تصاعدی دسترسی دیگر کشورهای منطقه به موشکهای دوربرد و هواپیماهای تهاجمی؛ تولید و گسترش سلاحهای شیمیایی در هند، ایران، عراق، اسرائیل، پاکستان و سوریه، و توسعه سلاحهای هسته‌ای در هند، اسرائیل و پاکستان را باعث می‌شد.

در عین حال، دلیل مخالفت کنگره با فروش قطعات یدکی هواپیماهای آواکس به عربستان بیشتر نزدیک شدن به زمان انتخابات آینده بود. همچنین، این مخالفتها از مشکلات عادی و رایج همیشگی حکایت داشت که از ناتوانی کنگره در کنترل و سامان‌دهی این موقعیت ناشی می‌شد. کنگره پیشنهاد می‌کرد که فروش سیستمهایی که برای نیروهای امریکا در منطقه خلیج فارس ارزش نظامی مستقیم دارند، متوقف شود. مدافعان این تصمیم توجه نداشتند که دولت تقاضای اجازه فروش تعداد زیادی از موشکهای تاو^(۱) و نفربرهای زرهی بردلی^(۲) را نیز دارد.

در ۲۵ ماه آوریل سال ۱۹۸۸، شاه فهد و شورای وزیران عربستان سعودی اعلام کردند که عربستان در نظر دارد معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای^(۳) را امضا کند، ضمن آنکه مانع از بازرسی هیچ یک از تأسیسات هسته‌ای خود نخواهد شد؛ اقدامی که هدف از آن، کاهش نگرانیهای کنگره بود، ضمن آنکه عربستان اطلاع داد که درصدد قطع روابط دیپلماتیک خود با ایران است.

همان روز، امریکا اعلام کرد که ارسال محموله ۴۵۰ میلیون دلاری قطعات یدکی هواپیماهای آواکس را به تأخیر خواهد انداخت تا فرصت بیشتری برای مشورت داشته باشد.^{۱۵۰} امریکا با این اقدام بیش از آنکه بخواهد عربستان را به حمایت از سیاستهای خود وادارد، می‌خواست این کشور

(1) Tovo (2) Bradley (3) Non-Proliferation Treaty

کشور را به دلیل مشورت نکردن با متحدانش سرزنش کرد و نمی‌توان گفت که چرا منتظر جلب رضایت این متحدان نشده است. ضمن آنکه باید یادآور شد هرچند امریکا در صدد بود تا سازمان ملل برای رسیدن به صلح نقشی را ایفا کند، اما برای حفظ صلح به این سازمان تکیه نمی‌کرد. چرا که هیچ نیروی سازمان ملل نمی‌توانست در سطح لازم برای بازداشتن ایران با این کشور روبه‌رو شود، ضمن آنکه، هیچ نیروی سازمان ملل نمی‌توانست از منافع استراتژیک بلندمدت غرب دفاع کند.

بیشتر موفقیت‌های امریکا طی تابستان، پاییز و زمستان سال ۱۹۸۷ به دلیل حرفه‌ای شدن روزافزون اقدامات امریکا و اروپا در خلیج فارس بود. درس برگرفته از این موضوع ساده است؟ مهارت و پایداری لازم برای اجرای خط مشی مناسب و توانایی تمرکز بر اشتباهات طرف مقابل اهمیتی کمتر از عقلانیت اولیه برای اتخاذ خط مشی مناسب ندارد. موضوع اخیر موضوع قانون اختیارات رئیس‌جمهور در زمان جنگ را پیش می‌کشد. هر دولتی در امریکا باید نسبت به کنگره، آرای عمومی و متحدانش حساس باشد. البته، رهبر یک کشور ابرقدرت نمی‌تواند به حق وتوی یکی از این سه گروه یا همه آنها پای بند باشد. حوادث سال ۱۹۸۷ نشان می‌دهد که دولت امریکا در عین حال که باید در چهارچوب قانون اساسی عمل کند، نباید به یک حق وتوی منفی، مانند حق وتوی موجود در مفاد قانون اختیارات رئیس‌جمهور در زمان جنگ پای بند باشد. احتمال دارد چنین دولتی به دلیل حمایت از حمله و تصاعد جنگ و درگیری از نظر سیاست داخلی ضعیف جلوه کند و قانون

اساس موفقیت محسوب می‌شود.

خطاهای اصلی امریکا در بدو ورود به خلیج فارس در این واقعیت ریشه داشت که این کشور عجولانه و به دلیل مسائل سیاسی بیرونی به خلیج فارس وارد شد. در نتیجه، به درستی، از سیستم امنیت ملی و کارشناسان آن بهره‌مند نشد، خطرهای موجود را دست کم گرفت، در سامان‌دهی امور برای یک جنگ کم‌شدت موفق نبود و نه تنها هدف یا نتیجه نهایی اقدام خود را بلکه ابزارهای سیاسی و نظامی لازم برای دستیابی بدان هدف نهایی را نیز کاملاً تشریح نکرد.

ناتوانی امریکا و غرب در کنترل رویدادها پس از ورود امریکا به خلیج فارس بیشتر از سه عامل ناشی می‌شد. نخست اینکه ارزشهای مردم ایران برای امریکا کاملاً بیگانه بود. در نتیجه، نمی‌توانست واکنشهای آنها را پیش‌بینی کند. دوم اینکه، تأکید امریکا بر تصاعد محدود جنگ باعث می‌شد تا در مواقعی که گزینه‌های محدودی در اختیار داشت، نتواند با ایران مقابله بکند و خطر تصاعد جنگ را بپذیرد. سوم اینکه، گاهی عراق جنگ را به سمت و سویی می‌کشاند که نتیجه آن برای امریکا قابل پیش‌بینی نبود؛ موضوعی که هشدار علی‌ه این فرضیه است که تصاعد همچون نردبانی ما را پله پله پیش خواهد برد و ما می‌توانیم بر پاسخهای محدود کنترل داشته باشیم و پاسخ طرف مقابل را نیز پیش‌بینی کنیم.

نمی‌توان امریکا را به دلیل اینکه هر دو کشور شوروی و ایران متخاصم تندر را به عنوان اهداف امنیتی مشروع خود قلمداد می‌کرد، سرزنش کنیم. و تنها می‌توان این



یادداشتها

99. *New York Times*, November 1, 1987, p. 3; *Economist*, November 7, 1981, pp. 40-41; *Washington Post*, November 29, 1987, p. A-29; *Washington Times*, November 20, 1987, p. A-S. 100. *New York Times*, November 4, 1987, p. 3, November 11, 1981, p. A-3, November 12, 1981, p. A-1; *Economist*, November 14, 1987, p. 48; *Washington Post*, November 5, 1981, p. A-2S, November 11, 1987, p. A-2S; *Washington Times*, November 4, 1981, p. A-9, November 12, 1987, pp. A-t, A-B, and F-2; *Chicago Tribune*, November 4, 1981, p. 1-4; *Wall Street Journal*, November 11, 1981, p. 23, November 12, 1987, p. 35; *Christian Science Monitor*, November 13, 1981, p. 1.
101. *New York Times*, November 12, 1987, P.A-9.
102. *Economist*, November 28, 1987, pp. 33-34; *New York Times*, November 1, 1987, p. 26.
103. *Washington Post*, November 28, 1987, p. 1.
104. *Med News*, Vol. 1, No. 5, November 30, 1987, pp. 1-2.
105. *Washington Post*, December 4, 1987, P.A-24.
۱۰۶. در اوایل نوامبر، عراق هرگونه معامله با شرکت لوشر را ممنوع کرد. همچنین هرگونه معامله با شرکت SNPE (شرکت ملی مواد منفجره) فرانسه را منع کرد، هرچند به مواد منفجره و خرج لازم برای ۷۶ قبضه توپ، ۱۵۵ میلیمتر GCF خودکشی هویتر نیاز داشت. عراق این توپها را در سال ۱۹۸۲ به عنوان بخشی از پروژه ۷۶ میلیارد دلاری Vulcan خریداری کرده بود.
107. *New York Times*, November 2, 1981, pp. A-3 and A-6, November 30, 1987, p. A-t, November 11, 1987, p. A-3, November 14, 1981, p. 1, December 3, 1981, p. 2. *The West and Naval Conflict in the Gulf*: 1987, A-15; *Economist*, November 1, 1987, pp. 53-51; *Washington Post*, November 17, 1987, p. A-20, November 30, 1987, p. A-1, December 1, 1987, pp. A-1 and A-30, December 2, 1987, p. A-14, December 8, 1987, p. A-24; *Washington Times*, November 3, 1987, p. A-S, November 6, 1987, p. A-9; *Defense News*, November 9, 1987, p. 12; *Baltimore Sun*, December 8, 1987, p. 2A.
108. *Chicago Tribune*, January 22, 1988, p. I-S; *Washington Post*, January 21, 1988, p. A-25.
109. *Baltimore Sun*, January 2, 1988.
110. Based on USCENCOM briefing data.
111. *Washington Times*, December 23, 1987, p. A-S; *Philadelphia Inquirer* 1 December, 1987, p. 7 A.
۱۱۲. اینها بر حسب داده‌های سازمان مصرف انرژی است.
113. *New York Times*, February 4, 1988, p. D-18; *Economist*, January 30, 1988, p. 32.
۱۱۴. براساس منابع وزارت خارجه آمریکا، ایران طی سال ۱۹۸۷ حدود ۴۰۰ قبضه توپ دو لول از چین دریافت کرد که غالباً از نوع دی - ۳۰ و دی - ۴۵ بودند. همچنین، ۹۰ قبضه توپ از اتریش و مقادیر زیادی سلاحهای توپخانه‌ای پیشرفته خودکشی از کره شمالی دریافت کرد.
115. *Philadelphia Inquirer*, November 30, 1987, p. 13D, December 4, 1987, p. 16C; *New York Times*, December 23, 1987, p. A-3; *Washington Times*, December 7, 1987, p. A-S; *Washington Post*, February 11, 1988, p. A-48; *Jane's Defense Weekly*, November 28, 1987, p. 1247; *Economist*, December 26, 1987, p. 47, and February 13, 1988.
۱۱۶. عراق تأسیسات عظیم تولید گاز خردل و گاز تابون و سیستم پرتاب هوایی، توپخانه‌ای و هلی کوپتری داشت، اما هنوز فناوری پرتاب این کشور ضعیف بود. بسیاری از سلاحهای شیمیایی منفجر نمی شدند و عراق به دلیل نزدیک بودن مواضع نیروهای دو طرف به یکدیگر در طی حمله ایران به شرق بصره نتوانست به استفاده از جنگ افزارهایی شیمیایی ادامه دهد آنها نمی توانستند اهداف خود را به خوبی تشخیص بدهند و از تلفات یگانها جلوگیری کنند.

اختیارات رئیس جمهور وی را وادارد تا در مدت زمان تعیین شده در این قانون، نسبت به مورد ویژه‌ای واکنش نشان دهد یا اینکه رویدادهای مبهم و نیازهای غیرضروری را جزء ضرورت‌های استراتژیک قلمداد کند.^{۱۵۲}

ما همچنین، باید در مورد تعیین استانداردهای ناممکن کمی دقت و احتیاط کنیم. مشکلات مداخله غرب در خلیج فارس در سال ۱۹۸۷ همانند مشکلات و ویژگیهای مداخله غرب در کشورهای جهان سوم از قرن پانزدهم به بعد است که اغلب، مانع از دستیابی به موفقیت نمی شوند.

این مشکلات را می توان تا حدی از نتایج اجتناب ناپذیر ابزارهای محدود و تعدد کشورهای مداخله گر و تا حدی نیز تأثیر این حقیقت تاریخی دانست که می گوید هرچند افرادی که گذشته را فراموش می کنند، به تکرار آن محکوم اند، اما افرادی هم که گذشته را به خاطر دارند، باز هم از تکرار آن ناگزیرند.

به طور کلی، مداخله غرب در خلیج فارس در سالهای ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸، مطالعه‌ای موردی است که نشان می دهد عملکرد غرب در مقابله با موارد مبهم و غیر قطعی چگونه باید باشد [...]

همواره، از اقدامات نظامی امریکا انتقاد می شود. باید یادآور شد که طرح پیشنهادی جدید و خلاق برای جایگزینی این اقدامات آسان است، اما مشکل مانع خلاق بودن، بلکه درست عمل کردن است. اکنون غرب موقعیت دشوار و مبهمی در خلیج فارس دارد؛ مشکلی که، شاید دست کم، تا یک ربع قرن دیگر نیز تداوم داشته باشد. البته، این احتمال وجود دارد که غرب بتواند نوع حضور نظامی خود را در خلیج فارس تغییر دهد و از این حضور نظامی دست بردارد و سرافکنندگی شکست خود را بپذیرد. به عبارت دیگر، پیروزی در این نیست که غرب بتواند خلیج فارس را ترک کند، بلکه در این است که پیاموزد چگونه با مشکلات و ابهاماتی که در سال ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ در خلیج فارس روبه رو شده بود، کنار بیاید.^{۱۵۳}

می‌شود که جمعیت شهر حلبچه نزدیک به ۷۰ هزار نفر بوده است، اما به نظر می‌رسد تقریباً نصف جمعیت آن پس از شکست شورش علیه مقامات نظامی عراق در ماه مه سال ۱۹۸۷ این شهر را ترک کرده بودند. جمعیت شهر دو جبهه نیز نزدیک به بیست هزار نفر می‌باشد.

۱۳۱. درک اهمیت ممنوعیتهای اخلاقی استفاده از سلاحهای شیمیایی آسان است. در ۳۵ سال بین پایان جنگ جهانی اول و پایان جنگ کره تنها دو مورد توسل به سلاحهای شیمیایی تأیید شده است. استفاده از گاز خردل از سوی ایتالیا علیه اتیوپی طی سالهای ۱۹۳۵-۱۹۳۶ و استفاده از مواد شیمیایی از سوی ژاپن علیه چین طی سال ۱۹۳۱-۱۹۴۲.

Washington Post, March 42, 8891, p. A-37; Economist, April 12, 1988, pp. 35-31.

۱۳۲. برخی از همکاریها در سال ۱۹۶۸ پس از شکست گفت‌گوهای طالبانی با دولت بغداد آغاز شد. حزب اتحادیه میهنی عراق در نواحی اطراف سلیمانیه و حزب دموکرات کردستان عراق در نواحی شمال و غرب از قدرت زیادی برخوردار بودند. مسعود بارزانی، فرزند مصطفی بارزانی رهبر سابق کردهای عراق، رهبری طایفه بارزانیها را برعهده دارد.

Patrik E. Tyler's excellent nalysis in the Washington a Post, February 19, 1988, p. A-15.

133. New York Times, April 21, 1988, p. 8.

134. Washington Post, March 28, 1988, P.A17.

135. Washington Post, April 18, 1988, P.A-17.

136. New York Times, April 14, 1988, P.1 and 14.

۱۳۷. ساموئل بی. رابرتز (Samuel B. Roberts) یک ناوچه کلاس اولیور هزارد پری (Oliver Hazard Perry) بود که به موشکهای هدایت شونده مجهز بود. این ناوچه با طول ۱۳۸ متر و حداکثر گنجایش ۳۷۴۰ تن ۲۲۵ نفر خدمه داشت و به موشکهای زمین به هوای سام و زمین به زمین SSM و توپهای ۷۶ میلی متری و سیستم اژدر (Torpedoes) و سیستم سلاح کوتاه برد (System Close-in Weapon) مجهز و سیستم قوی سونار (ردیاب صوتی) در بدنه این ناوچه فعال بود.

۱۳۸. ناوچه رابرتز همراه کشتی وین رایت به سوی بحرین حرکت داده شد و در ۱۶ ماه آوریل به آنجا رسید. ده نفر از خدمه آن منجرح شده بودند که حال سه نفر از آنها وخیم بود.

۱۳۹. آمریکا ۴۴ فروند مین را در خلیج فارس کشف کرده بود که ۱۶ فروند از آنها به سال ۱۹۸۸ مربوط می‌شد. آخرین مورد مین یابی در ۹ ماه آوریل سال ۱۹۸۸ صورت گرفت. روی تمامی مینهای قبلی یک لایه از گیاهان دریایی نشسته و بند بیشتر آنها پاره شده بود.

New York Times, April 15, 1988, P.3.

۱۴۰. مریل و لیندامک کورمک ناوشکن، ترنتون کشتی آبی خاکی، سیمپسون ناوچه مجهز به موشکهای هدایت شونده، بگلی ناوچه، وین رایت رزمناو مجهز به موشکهای هدایت شونده و ناوچه جوشن کشتی رزمی کلاس - II فرانسوی بود که ۴۷ متر طول و موشکهای هارپون و ۲۱ نفر خدمه داشت. سهند و سبلان دو ناوچه کلاس وسپر (Vosper-5) ساخت انگلستان بودند که در سال ۱۹۷۲، به ایران فروخته شده بودند. این دو ناوچه ۹۵ متر طول و ۱۲۵ نفر خدمه داشتند. آنها بخشی از نیرویی بودند که از چهار فروند از این ناوچه ها تشکیل یافته بود. بوکهامرها قایقهای تندرویی بودند که سیزده متر طول داشتند. موشکهای هارپون نخستین بار در سال ۱۹۷۷ عرضه شدند و در اوایل دهه ۸۰، گونه پیشرفته ترشان با برد بیش از هشتاد کیلومتر تولید شد. فقط ارتش آمریکا گونه پیشرفته آنها را در اختیار داشت.

117. Philadelphia Inquirer, December 23, 1987, p. 7 A; New York Times, December 23, 1987, p. A-3.

118. Washington Times, January 25, 1988, p. A-1; New York Times, January 25, 1988, p. A-3; Los Angeles Times, January 20, 1988, p. 1-5.

119. New York Times, December 22, 1987, p. A-7; Washington Times, December 21, 1987, p. A-8.

120. Washington Post, December 10, 1987, p. A-13, December 17, 1988, p. A-46, December 25, 1987, p. A-1, December 26, 1987; p. A-25, December 29, 1987, p. A-12, January 15, 1988, p. A-25, February 10, 1988, p. A-32, February 21, 1988, p. A-1. Washington Times, December 8, 1987, p. C-S, January 6, 1988, p. A-S, February 12, 1988, p. A-B; Philadelphia Inquirer, December 18, 1987, p. 18C, January 22, 1988, p. 1-A; New York Times, December 4, 1987, p. A-13, December 14, 1987, p. 0-10, December 17, 1987, p. 0-1, January 18, 1988, p. A-6, February 21, 1988, p. E-23; Los Angeles Times, January 20, 1988, p. I-S; Wall Street Journal, January 29, 1988.

121. Economist, January 30, 1988, p. 34; Christian Science Monitor, March 2, 1988, p. C-9.

122. Washington Times, December 8, 1987, p. C-5; New York Times, The West and Naval Conflict in the Gulf: 1987 December 10, 1987, p. 0-1, December 14, 1987, p. 0-10, December 17, 1987, p. 0-1; Wall Street Journal, December 15, 1987, p. 3, December 17, 1987, p. 3.

123. New York Times, January 10, 1988, p. A-3.

124. Washington Times, January 19, 1988, P.A-8.

125. Philadelphia Inquirer, February 10, 1988, P.26.

۱۲۶. ذخیره موشکهای اسکاد عراق و منبع تامین آنها نامشخص بود. گفته می‌شد عراق قبل از شروع مرحله جدید حملات خود پنجاه فروند موشک اسکاد در اختیار داشت اما تعداد حملات صورت گرفته نشان داد که این رقم بسیار بالاتر بوده است. [آیت اله] هاشمی رفسنجانی در ۸ ماه مارس سال ۱۹۸۸ ادعا کرد که ایران شواهدی در اختیار دارد که نشان می‌دهد این موشکها از نوع اسکاد بی استاندارد می‌باشد که از وزن کلاهک آنها کاسته شده است.

Washington Times, March 1, 1988, p. 3; and Washington Post, March 9, 1988, P. A-9.

۱۲۷. عراق در ماه اوت سال ۱۹۸۷ اعلام کرد که موشکی با بردی نزدیک ۶۵۰ کیلومتر را آزمایش کرده است. این گزارشها بیشتر جنبه تبلیغاتی داشتند. در عمل به نظر می‌رسید که احتمالاً به سه شیوه در موشکهای اسکاد استاندارد تغییراتی ایجاد و برد آنها را افزایش داده است. الف) کاهش وزن کلاهک آنها از ۴۰۰ به ۲۰۰ کیلو؛ ب) در آن تغییراتی انجام داده که تمام سوخت خود را استفاده کند هر چند که از دقت عمل آن کاسته شود. ج) یا انجام هر دو مورد. ارتش عراق طی این مرحله از حملات خود به طور مرتب سایتهای پرتاب موشک را تغییر می‌داد.

Economist, March 5, 1988, p. 44; New York Times, March 2, 1988, p. A-1, March 4, 1988, p. 2, 1988, p. A-16; Baltimore A-B, March 21, 1988, p. A-3; Washington Post, March Sun, March 6, 1988, p. 2-A.

۱۲۸. مقامات شوروی در ۱۰ ماه مارس سال ۱۹۸۸ امکان رسیدن موشکهای اسکاد تحویلی به عراق به تهران را منکر شدند.

129. New York Times, March 6, 1988, P. 1.

۱۳۰. براساس برخی از گزارشها هواپیماهای بمب افکن عراقی مخازن ۱۰۰ لیتری حاوی گاز سیانید را از هوا رها می‌کردند که بخارات این گاز به هنگام اصابت پخش می‌شد. یک ژنرال سرتیپ عراقی به نام نادر حسین مصطفی در ۲۴ ماه مارس سال ۱۹۸۸ در تلویزیون ایران ادعا کرد که خود شاهد ابرهایی از گاز شیمیایی بر روی حلبچه بوده است. دو افسر عراقی دیگر به اسارت درآمده این موضوع را تأیید کردند. اعداد و ارقام مربوط به تلفات و جمعیت این شهرها بسیار ضد و نقیض می‌باشد. گفته

۱۴۱. نظر منابع مختلف درباره میزان تولید نفت این سکوها نفتی متفاوت است و این میزان از ۳۰ تا ۱۵۰ هزار بشکه در روز می باشد.

۱۴۲. این حوزه نفتی به شارجه متعلق بود و شرکت نفتی کرسنت (crescent) در آنجا فعالیت داشت. شارجه جزء امارات متحده عربی و طرفدار شدید ایران بود.

۱۴۳. اسکپیر-۲ بمب هزار پوندی (۴۵۴ کیلوگرم) است که به موتور موشکهای شرایک (Shrike) مجهز شده است تا برتری رزمی (Stand-off) آن افزایش یابد.

۱۴۴. کشتی جک ویلیام سون نیز همانند دیگر کشتیهای امریکایی مستقر در خلیج فارس به سیستم شناسایی الکترونیکی AN/SLQ، سیستم پرتاب کننده سریع چف و دو سیستم دفاعی سلاحهای برد نزدیک فالانکس مجهز بودند. عملکرد این سیستمها بسیار خوب بود و این امر نشان می داد که در مورد کشتی استارک مشکل اصلی عدم آمادگی و برخی از عوامل انسانی بود
Aviation Week and Space Technology, May 25, 1987, P23.

۱۴۵. جنگ شهرها خسارتهای فیزیکی نسبتاً اندکی در پی داشت، اما میزان زیادی از مردم شهرهای خود را ترک کرده بودند. در این میان، دولت ایران اعلام کرد که مردم برای گرفتن دفترچه ارزاق باید به شهرهای خود برگردند و در انتخابات شرکت کنند.

۱۴۶. در این مقطع زمانی، ایران هنوز سه فروند ناوشکن در اختیار داشت، اما در یک نگاه خوش بینانه، این کشور تنها می توانست آنها را تا میزان محدودی تعمیر و نگهداری کند. ایران ۲ فروند ناوچه، ۲ فروند کوروت، ۸ فروند کشتی تهاجمی تندرو، ۱۰-۱۲ فروند هاورکرافت، ۱ فروند مین روبر، ۴۰-۵۰ فروند قایق تندرو و ۷۰ فروند یا بیشتر قایق کوچک موتوری. نیروهای امریکایی حاضر در منطقه نیز روی هم رفته ۲۹ فروند کشتی در اختیار داشتند که ۲۱ فروند از آنها در داخل خلیج فارس و بقیه در خارج از خلیج فارس مستقر بودند. کشتیهای حاضر در منطقه کشتی فرماندهی کروناودو، رزمناو وین رایب که به موشکهای هدایت شونده مجهز بود؛ ناوشکنهای مک کورمک و استراتوس مجهز به موشکهای هدایت شونده؛ دو فروند ناوچه مجهز به موشک هدایت شونده که ناوچه سیمپسون یکی از آنها بود، دو ناوچه از جمله ناوچه بلگی، چند فروند ناوشکن از جمله مریت، کشتی آبی خاکی ترینتون، شش فروند مین روبر و یک فروند کشتی تدارکاتی را شامل می شدند. ناو هوایمابر انترپرایز در خارج از خلیج فارس این کشتیها را حمایت می کرد و قرار بود ناو هوایمابر فورستال و نیروهای ویژه مستقر در آن، جای گزین ناو هوایمابر انترپرایز شوند تا از کشتیها حمایت کنند. همچنین، قرار بود برای پنج فروند از این ناوچه ها هم جای گزین فرستاده شود. در واقع، این امر نیروی مؤثر و کارآمد امریکا را تقریباً دو برابر می کرد.

147. Washington Post, April 19, 1988, PP.A1 and A-22-23.

۱۴۸. موشکهای زمین به زمین-۲ CSS از روی موشکهای دانگ فنگ ۳ ای (DF3A) در جمهوری خلق چین ساخته شدند. این موشکها که طول آنها بیست متر بود، برای نخستین بار در سال ۱۹۷۱ عرضه شدند. این موشکها سوخت مایع داشتند و در یک مرحله، پرتاب می شدند. چین در آغاز، پنجاه فروند از این موشکها را روی سکوها ثابت سوار کرد. گونه اولیه آنها بردی در حدود ۲۵۰۰ کیلومتر و نوع پیشرفته آن بردی بین ۲۹۶۰ تا ۳۵۴۰ کیلومتر داشت. چین ۹۰ فروند از این موشکها را به کلاهکهای با وزن ۲ تا ۳ تن مجهز کرد. عربستان سعودی گونه پیشرفته آنها را خریداری کرد. عربستان ادعا می کند که چین به جای کلاهکهای ۴۵۰ کیلوگرمی کلاهکهای ۷۵۰ کیلوگرمی را بر موشکهای CSS-2 عادی سوار کرده است؛ بنابراین، برآورد برد آنها مشکل می باشد.

کمترین میزان برآورد شده ۲۴۰۰ کیلومتر می باشد. سیستم مشابه این موشکها موشکهای اسکاد در نیروهای نظامی سوریه می باشد که برد آنها ۲۹۰ کیلومتر می باشد و موشک فراگ که برد آنها ۱۱۰ کیلومتر است. گونه پیشرفته موشکهای اسکاد که عراق از آنها علیه ایران استفاده کرد، بردی متجاوز از ۴۸۰ کیلومتر داشتند. موشک جریکو (Jericho II) ۲ اسرائیل با بردهای فراتر از ۸۰۰ کیلومتر آزمایش شده است. خبر فروش این موشکها به عربستان یک هفته پس از ملاقات وزیر امور خارجه چین و زونگین (Wu Xueqian) از واشنگتن اعلام شد و دولت ریگان نیز اعلام کرد که انتقال فناوری پیشرفته به چین که قبلاً به دلیل فروش موشکهای کرم ابریشم به ایران ممنوع شده بود، مجدداً از سر گرفته خواهد شد. وزیر امور خارجه چین بعداً فروش موشک به عربستان را توجیه و اعلام کرد که دولت عربستان متعهد شده از این موشکها فقط برای اهداف دفاعی استفاده کند.

149. Jane's Defense Weekly, April 2, 1988, p.627; Economist, March 26, 1988, PP. 40-41.

۱۵۰. در این زمان، بیست روز از اعلام غیررسمی این فروش به کنگره و یک هفته از مدت رسمی سی روزه آن می گذشت.

151. New York Times, April 26, 1988, P11.

۱۵۲. قانون اختیارات رئیس جمهور در زمان جنگ، به هنگام نوشتن این بحث و تحلیل، هنوز مطرح بود. سنا در ۴ ماه دسامبر سال ۱۹۸۷ تصمیم گرفت که به طور قاطع، جدول زمانی این موضوع را با سناتور بروک آدامز مطرح کند. این سناتور در ۲۰ ماه دسامبر، در مورد احیای این قانون مجلس را به رأی گیری واداشت، اما سنا این قانون را مفتوح اعلام کرد و گفت این قانون با رأی اکثریت و تحت شرایط خاص می تواند مطرح و احیا شود. با بروز درگیری جدید در خلیج فارس در ۱۸ ماه آوریل ۱۹۸۸، احتمال آن می رفت که رئیس جمهور، درگیرها و خصومتها را گزارش و دوره شصت روزه مندرج در قانون را مراعات کند و به هر دو مجلس اجازه دهد که این اقدامات را با اکثریت آرا تأیید کنند.

۱۵۳. این بررسی و تحلیل در ۲۰ ماه آوریل سال ۱۹۸۸، به پایان رسید و نویسنده به محدود بودن تواناییهای خود معترف است.